

بشريت ترقیخواه عليه شکنجه و اعدام در ایران

نیروهای مترقی در دانمارک، اسپانیا، سوئد، ژاپن، آلمان فدرال و ... شکنجه و اعدام فدائیان - خلق و سایر زندانیان سیاسی ایران را محکوم کردند.

دانمارک

* از سوی گروهی از اعضای پارلمان دانمارک، نامه‌ای جهت محکوم نمودن موج اعدام فدائیان و دیگر انقلابیون ایران، امضا و برای مقامات رژیم جمهوری اسلامی ارسال شد.

* سردبیر روزنامه هلینگودای بلاد، دبیر اتحادیه کارگری در هلینگو، مسئول حزب سوسیالیست چپ در هلینگو و همچنین مسئول حزب سوسیالیست مردمی در این شهر طی نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی در دانمارک، با اعتراض به اعدام‌ها در ایران، سیاست ضد انسانی رژیم درنده خوی خمینی را تقبیح نمودند.

* اتحادیه کارگران ترک در دانمارک با ارسال یک نامه اعتراضی به سفارت رژیم خمینی، جنایات جمهوری اسلامی را محکوم نمودند.

نروز
* ۴۵ تن از مسئولین و اعضای حزب کمونیست نروز و حزب سوسیالیست مردمی این کشور با امضای اعتراضیه‌ای، انزجار خود را از تبهکاری‌های "رژیم بربرمنش" جمهوری اسلامی اعلام نمودند. امضا کنندگان خواهان آزادی فدائیان اسیر و دیگر اسیران شکنجه گاههای حکومت خمینی شدند.

بقیه در صفحه ۲

* دبیر کل حزب کمونیست دانمارک با امضای متنی در اعتراض به اعدام فدائیان یخون خفته رفقا غریبی، تاپان، پهناسی و ... و اعمال شکنجه در زندان‌های ایران، خواهان آزادی زندانیان سیاسی میهن‌مان گردید.



دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۴ برابر ۲۷ ژانویه ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال دوم شماره ۹۲

گامی در جهت احیای پیمان سنتو

اسلامی در برابر پاکستان و هدف سفر خامنه‌ای را بروشنی بیان می‌کند، گسترش روابط نظامی - پاکستان از طرف هیچ کشور "مسلمان" و "غیر مسلمان" تهدید نمی‌شود و رژیم این کشور خود به سرچشمه اصلی تشنج در منطقه و تهدید خلقهای کشورهای همجوار بدل شده است. پاکستان به خواسته آمریکا آشکارا وی پرده و پنحوی گستاخانه در امور دو کشور همسایه خود افغانستان و هندوستان مداخله می‌کند. نقش پاکستان در حمایت از گروههای ضدانقلاب و تجزیه طلب در هندوستان و شرکت این کشور در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان انقلابی، غیر قابل کتمان است. این پاکستان است که پمپایه ژاندارم امپریالیسم در منطقه همسایگان خود را تهدید می‌کند. گسترش روابط نظامی با پاکستان در عمل بمعنی مشارکت جمهوری اسلامی در طرحهای تجاوز کارانه و بقیه در صفحه ۹

خامنه‌ای رئیس جمهور روز ۲۲ دیماه در راس یک هیات بلند پایه نظامی و سیاسی به پاکستان سفر کرد. این مسافرت بلافاصله پس از دیدار تورگوت اوزال از تهران و مذاکرات وی با رهبران جمهوری اسلامی صورت گرفت. خامنه‌ای قبل از سفر مزبور در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که موضوع اصلی این دیدار بسط و گسترش مناسبات دو رژیم، بررسی مسائل جهان بطور اعم و مساله افغانستان و اقیانوس هند بطور اخص می‌باشد. قبل از سفر موسوی خامنه‌ای به پاکستان، سید محمود موسوی سفیر جمهوری اسلامی در اسلام آباد در مصاحبه‌ای با روزنامه جنگ در تاریخ ۱۴ آذرماه اظهار داشت: "اگر یک کشور غیر مسلمان به پاکستان حمله کند و ما ملاحظه کنیم که پاکستان مظلوم است ما از مظلوم حمایت خواهیم کرد" تحت پوشش این عبارات سفیر جمهوری اسلامی سیاست جمهوری

فدائیان خلق و جنبش جوانان

دانش آموزان، سربازان و ... توجه نمود. همپا با گسترش پایگاه توده‌ای سازمان ما، گستره فعالیت فدائیان در میان بخشهای مختلف جوانان گسترش می‌یابد. این امر به ویژه پس از انقلاب ابعاد کاملاً بی‌سابقه‌ای می‌یابد.

همبستگی با جنبش جوانان

از قبل از بهمن سرخ سال ۴۹ - تاریخ اعلام موجودیت سازمان - آغاز می‌کنیم. این بخش، فعالیت بنیانگذاران و اعضا اولیه سازمان در میان جوانان را در بر می‌گیرد. ما در دو شماره قبل، به مناسبت هجدهمین سالگرد دستگیری رفیق بیژن جزنی، فعالیت اعضا "گروه جزنی" در سازمان مبارزات دانش آموزان، تشکیل سازمان بقیه در صفحه ۸

سازمان ما در آستانه شانزده سالگی خود قرار دارد. به مناسبت آغاز شانزدهمین سال اعلام موجودیت این حماسه پایداری، پویایی و پالندگی، در چند شماره اخیر نشریه به یازنگری کارنامه فدائیان خلق در عرصه‌های مختلف کار و پیکار پرداختیم. عرصه دیگری که جای شایسته‌ای را در تاریخ فعالیت‌های انقلابی سازمان ما بخود اختصاص می‌دهد، جذب توده‌های وسیع جوانان به مبارزه انقلابی و گسترش و تعمیق جنبش جوانان کشور است. در این عرصه نیز می‌توان با ايقان علمی بیان داشت که نقش فدائیان خلق بی‌بدیل و رهبری عرصه‌هایی از جنبش جوانان به تمامی بردوش فعالین سازمان ما استوار بوده است. در بررسی جنبش جوانان باید به مبارزه انقلابی در میان کارگران جوان، فعالیت در میان روستا زادگان جوان، دانشجویان،

در هراس از تکرار تظاهرات و ورزشگاه امجدیه

رژیم انحلال باشگاههای فوتبال را دنبال می‌کند

فصل مسابقات فوتبال باشگاه‌های دسته اول تهران با بازی تیم‌های استقلال و شاهین در هفته آخر دی‌ماه به پایان رسید. این دوره از مسابقات باشگاه‌های دسته اول تهران در شرايطی خاتمه یافت که تیم پرطرفدار پرسپولیس به بهانه عدم رعایت "آیین‌نامه انضباطی" عملاً از راه یافتن به دوره‌های بعدی مسابقات کنار گذاشته شد.

تاکنون مسئولین تربیت بدنی علت کنار گذاشتن تیم پرسپولیس از ادامه مسابقات را حضور یک بازیکن "مشمول" در بازی‌های این تیم اعلام کرده‌اند. آنهام چنین در مورد مسایل دیگری از قبیل افت کلی سطح فوتبال بقیه در صفحه ۱۱

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بشریت ترقیخواه علیه شکنجه و اعدام در ایران

اسپانیا

* از سوی رئیس کمیته اجرایی سازمان یونسکو در مادرید نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای ارسال گردید که بیانگر خشم و اندوه بسیار نسبت به اعدام فدائیان خلق و دیگر مبارزین راه آزادی است.

در این نامه آمده است: "ما به نام بشریت متمدنی این عمل جنایتکارانه را قویاً محکوم کرده و به شما یادآوری می‌کنیم که نمی‌توان با کشتار، مبارزه خلقی را که به خاطر حقوق از دست رفته‌اش پیکار می‌کند متوقف ساخت."

* آنخل موریو دبیر کل "انجمن برای سازمان ملل" در مادرید، روز نهم دی‌ماه طی نامه‌ای به خامنه‌ای خواستار لغو فوری احکام اعدام زندانیان سیاسی در کشورمان شد.

* سازمان ترقی‌خواه "لس‌وردس آلترناتیوس" با ارسال نامه‌های اعتراضی جداگانه‌ای برای خمینی و خامنه‌ای در تاریخ هفتم دی انزجار شدید خود را به خاطر اعدام فدائیان خلق محمد رضا غبرایی مدیر مسئول نشریه "کار"، جهانگیر بهتاجی، محمد شیرودی و همچنین اعدام‌های دیگری که توسط رژیم خمینی صورت می‌گیرد و "مغایر با اعلامیه حقوق بشر" است، اعلام کرد.

* کمیته همبستگی با خلق السالوادور-اسپانیا، به منظور محکوم نمودن اعدام گروهی از اعضای کادرها و رهبران سازمان و دیگر انقلابیون ایران در نامه‌ای به خامنه‌ای نوشت این اعمال شنیع "علیه خلقی است که تنها خواهان زندگی در صلح و آرامش است"

در این نامه درخواست آزادی فدائیان در بند و دیگر زندانیان میهن مatakید شده است.

ژاپن

در سی‌ام آذرماه سال جاری، طبق سنت هر ساله از طرف سازمان جوانان هوادار صلح ژاپن مراسمی جهت تقویت صلح در منطقه برگزار گردید.

در این مراسم علاوه بر نمایندگان از اتحاد شوروی، از سازمان آزادیبخش فلسطین، آمریکا و ... نماینده‌ای از سوی هواداران سازمان نیز شرکت جسته بود که به افشاکری علیه سیاست‌های جنگ طلبانه و ضد بشری رژیم خمینی

پرداخت و از رنجی که این رژیم خودکامه بر مردم ایران روا می‌دارد، سخن گفت.

صدها تن از مردم صلح دوست ژاپن که در این مراسم حضور داشتند با امضای طوماری خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند.

سوئد

"اتحادیه جوانان کمونیست سوئد" در اواخر آذرماه سی و پنجمین کنگره خود را برگزار نمود. از جمله میهمانان خارجی این کنگره، جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) بودند. کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) با ارسال پیامی برای کنگره آرزوی موفقیت کرد.

خانم پریم چاندر، عضو شورای جهانی صلح:

شکنجه و اعدام انقلابیون ایران را محکوم می‌کنیم

اخیراً فرصت یافتیم تا با خانم پریم چاندر، مسئول سازمان صلح و همبستگی هندوستان و عضو شورای جهانی صلح، گفتگوی کوتاهی داشته باشیم. خانم چاندر که نخستین دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند بوده و سابقه طولانی مبارزه در صفوف جنبش صلح و جنبش زنان این کشور را دارد، در این گفتگو ضمن بیان مواضع سازمان خود در قبال مسایل جهانی و محکوم شدن مشی تجاوزکارانه و ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در عرصه بین‌المللی، در پاسخ پرسشی در باره جنگ ایران و عراق گفت: "همه مردم صلح‌دوست خواهان خاتمه این جنگ هستند. این جنگ هر آن می

تراند به یک برخورد عمده در منطقه ما فراروید. ما از همه کوشش‌های پایان بخشیدن بدین جنگ پشتیبانی می‌کنیم."

خانم چاندر در مورد اعدام اعضای سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت اظهار داشت: "جنبش ما همواره شکنجه‌های غیر انسانی و اعدام مبارزین توسط رژیم خمینی را محکوم کرده است، مبارزینی که عمری را به پیکار علیه رژیم شاه و سلطه آمریکا گذرانده‌اند. جنبش ما پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با انقلابیون و صلحدوستان ایران اعلام می‌دارد. مبارزه آنان اگرچه طولانی و سخت است اما پیروزی نهایی از آن آنها خواهد بود."

پروفسور بلجوله، آکادمیسین برجسته شوروی:

جنگ ایران و عراق باید هرچه زودتر پایان یابد

در فرصت کوتاهی که برای گفتگو با پروفسور الکساندر بلجولک، معاون رئیس انستیتوی جنبش جهانی کارگری در آکادمی علوم اتحاد شوروی پیش آمد، نظر ایشان را درباره جنگ ایران و عراق پرسیدیم. پروفسور بلجولک گفت: "به نظر ما، این جنگ غیر معقول و بی‌معنی است. هر دو طرف پازنده خواهند بود و هیچ یک نخواهند توانست پیروزی و تفوق نظامی بر دیگری به دست آورند. خلق‌های دو کشور متحمل صدها هزار کشته، زخمی و

معلول و ویرانی شهرها و رنج‌های ناشی از آن شده و می‌شوند. صنایع و تاسیسات فراوانی نابود شده‌اند و یا آسیب دیده‌اند. صدور نفت کاهش یافته است. به اقتصاد این دو کشور خسارات جدی وارد شده است. توده‌های مردم ایران و عراق قربانیان اصلی این جنگ هستند. باید هر کار ممکن را انجام داد تا این جنگ خاتمه یابد. این، همیشه موضع اتحاد شوروی بوده است. اتحاد شوروی معتقد است این جنگ باید هر چه زودتر پایان یابد."

پایان بی‌درنگ جنگ ایران و عراق، رعایت حقوق حقه جوانان ایرانی، هستیم.

آلمان فدرال

* مسئول حزب کمونیست آلمان فدرال - ووپرتال، گروه دانشجویی حزب کمونیست آلمان فدرال - ووپرتال سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان فدرال - ووپرتال، مسئول جوانان دمکرات (سبزها) در منطقه ارکرات و اتحادیه کارگران عرب - ووپرتال هر یک طی نامه‌های جداگانه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی درین اعدام رهبران و کادرهای در بند سازمان و سایر نیروهای متمدنی ایران و زیر پا نهادن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی موطنان متوسط حکومت ارتجاعی خمینی را شدیداً محکوم نموده و تنفر خود را از این اعمال اعلام نمودند.

* روز ۲۸ آذرماه، مرکز شهر "کلن" صحنه اعتراض فدائیان خلق و توده‌ای‌ها به تبهکاری‌های رژیم خمینی علیه میهن‌پرستان در بند بود. این اقدام با استقبال صمیمانه مردم مواجه گردید بطوریکه کهاه صفی از مشتاقان امضای متن اعتراضی علیه سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی تشکیل می‌شد.

هندوستان

در تاریخ ۲۶ آذر، حزب کمونیست هندوستان - حیدرآباد، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) - حیدرآباد و حزب مردم (چاناتا) - حیدرآباد، در نامه‌ای به سرکنسول ایران در شهر حیدرآباد نوشتند: "اعدام گروهی ۱۲۰ تن از میهن پرستان و آزادیخواهان در زندان‌ها از سوی دولت شما جنایتی شرم‌آور علیه بشریت متمدنی است."

فیلیپین

در روز ۱۹ آذر ماه (روز تصویب اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل متحد)، از سوی انجمن پناهندگان ایرانی تظاهراتی در شهر مانیل برگزار گردید.

تظاهرکنندگان از مقابل سفارت جمهوری اسلامی عبور کرده، در برابر ساختمان نمایندگی سازمان ملل گرد آمدند و در اعتراض به جنایات رژیم خمینی و با خواست آزادی زندانیان سیاسی ایران، نامه‌ای به نمایندگی مژبور تسلیم نمودند.

بودجه سال ۶۵، سند و رشکستگی جمهوری اسلامی

رئوس و محورهاى بودجه ۱۳۶۵

قسمت دوم

در شماره پیش، تصویری از رئوس و محورهاى حاکم و ناظر بر لایحه بودجه سال ۶۵ ارائه گردید. در آن بخش از مقاله گفته شد که حکومتگران جمهوری اسلامی محور اصلی تنظیم لایحه بودجه سال ۶۵ را "اصرار بر تجمع صرفه‌جویی و جلوگیری از آسیب‌رسی به بافت اقتصادی کشور" تعیین کرده‌اند. سران جمهوری اسلامی، رئوس لایحه بودجه سال آتی را، "مشارکت مردم" و "مشارکت سیستم بانکی" تعیین و اعلام نمودند. پرسش این است که از چه رو سران حکومت شعار "تجمع صرفه‌جویی" و تکدی از "مردم" و بانکها را می‌دهند؟ بی‌گمان یکی از عوامل بسیار مهم در درماندگی و بحران اقتصادی حکومت، کاهش میزان صادرات نفت، تنزل قیمت این کالا و تاثیر عمیق آن بر حیات اقتصادی کشور است. کاهش هنگفت درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی، منبع اصلی هراس و واهمه سران حکومت می‌باشد. ما نقش و جایگاه نفت را در بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی، طی سلسله مقالاتی در شماره‌های ۸۲ الی ۸۵ نشریه "اکثريت" ارائه کردیم. اما، آنگاه که سخن از اقتصاد بیمار تک پایه در میان است؛ طبیعتاً عوارض ناشی از کاهش صدور و یا قیمت کالای محوری آن اقتصاد، تنها در عرصه بازرگانی خارجی نمانده، بلکه عمیقاً و عیناً در همه عرصه‌های اقتصادی کشور نیز اثرات خود را بر جای می‌نهد.

دولت جمهوری اسلامی در زمینه تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده برای صدور و فروش نفت، توفیقی نداشته است. عدم توانایی حکام جمهوری اسلامی در زمینه فروش نفت، اثرات خود را بر همه شئون اقتصادی کشور بر جای نهاده است. به لحاظ وابستگی همه اقتصاد کشور به امر صدور و فروش نفت، هر تغییری که در درآمد ناشی از فروش این ماده بوجود آید، بی‌گمان بگونه‌ای چند جانبه و وسیع‌تر در کل حیات اقتصادی کشور نمود می‌یابد. این بدین معناست که هرگاه یک میلیارد دلار در درآمد ناشی از فروش نفت، نقصان پدید آید، تاثیر این کاهش بر حیات اقتصادی کشوری تک پایه چون کشورمان، به مراتب بیش از یک میلیارد دلار خواهد بود. چرا؟ زیرا که یک میلیارد صادرات کمتر (یا درآمد کمتر)، یعنی یک میلیارد

ارز خارجی کمتر، یعنی یک میلیارد بودجه ارزی بخش دولتی و خصوصی کمتر خواهد بود، یعنی یک میلیارد دلار واردات کالا کمتر خواهد شد و این بدین معناست که تعرفه کمرکی و مالیات بر واردات یک میلیارد دلار کالا، کاهش یابد، یعنی سود و بازرگانی مربوط به یک میلیارد دلار حذف شود، و این باز بدین معناست که به میزان همین رقم از نسبت درآمد مالیاتی مشاغل و اصناف کسر گردد، یعنی مواد اولیه به کارخانجات نرسد، تولید بخوابد، یعنی گردش پول محدود شود، یعنی... چنین است رابطه تنگاتنگ کل اقتصاد کشور با دلار نفتی. البته میزان کسری درآمد نفتی جمهوری اسلامی، هیچگاه در حد یک میلیارد دلار محدود نماند و سخن از میلیاردها دلار می‌باشد.

جایگاه نفت در بودجه

اصولاً بودجه از دو ستون اساسی و یک ستون تکمیلی تشکیل می‌شود. دو ستون اساسی هر بودجه که خود به اقلام و مدارج گوناگونی تقسیم می‌شوند، عبارتند از: ستون درآمدها و ستون هزینه‌ها. نامه‌خوانی و عدم تعادل بین میزان درآمدهای اکتسابی و هزینه‌های واقعی، به ستون سوم یعنی کسری بودجه موجودیت می‌بخشد. در واقع، بودجه، برنامه کوتاه مدت هر حکومتی است در راستای جامه عمل پوشانیدن به برنامه‌های میان مدت و طویل‌المدت آن. میزان دقت در تعیین ارقام و صحت تبیین اقلام که در جریان کنش و واکنش اقتصادی محکم می‌خورد، نشانه موفقیت و یا عدم موفقیت تدوین کنندگان و اجرا کنندگان این برنامه کوتاه مدت اقتصادی می‌باشد. بودجه نویسی و برنامه‌پردازی در جمهوری اسلامی بدون رعایت حداقل ضوابط علمی صورت می‌گیرد. بودجه بر هیچ مبنا و برنامه‌ای استوار نیست، کمترین آمارگیری خام و نیمه خام برای تهیه آمار و ارقام بودجه صورت نگرفته است؛ و از این رو در عمل غیر قابل اجرا و به بودجه‌های یک ششم و یک دوازدهم بدل می‌شود که در واقع معنایی جز چرتکه انداختن حجه‌وار سران حکومت بر سر دخل و خرج ماهانه حجه بزرگی به نام

"بیت المال" ندارد. علت اصلی و عمده این اغتشاش آماری در بودجه جمهوری اسلامی، همانا ارزیابی نادرست از درآمدهای قابل وصول و هزینه‌های قابل پرداخت می‌باشد. در جمهوری اسلامی، هزینه‌ها، هیچگاه در حد تعیین شده در بودجه نماندند و به خصوص جنگ و هزینه‌های نظامی، هرگز به حساب و کتابهای اولیه سران جمهوری اسلامی تمکین نکردند و در مقابل درآمدها نیز انتظارات و رویاهای حکومتگران را برآورده نداشتند.

در ستون درآمدهای بودجه، اقلام زیر وجود دارند؛
۱- درآمدهای حاصل از صدور و فروش نفت؛
۲- درآمدهای مالیاتی؛
۳- درآمدهای ویژه؛

در چارچوب یک اقتصاد تک پایه، همه درآمدهای کشور متناثر از درآمد کالای محوری می‌باشند. این واقعیت تا بدان حد روشن و مبرهن است که هیچ کس و حتی خود سردمداران رژیم نیز یارای انکار آنرا ندارند. یکی از نمایندگان مجلس در باره وابستگی درآمدهای مالیاتی به درآمد نفتی در جمهوری اسلامی گفت؛ "۸۵ تا ۹۰ درصد درآمد این مملکت مالیات نفتی است، ما غیر نفتی از کجا درآمد داریم." (جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۱)

در واقع میزان وابستگی درآمدهای جمهوری اسلامی به نفت بالغ بر ۹۰ درصد می‌شود. به رغم چنین واقعیتی موسوی نخست وزیر می‌کوشد تا این ادعا را به کرسی بنشاند که "نسبت درآمد نفت به کل درآمدهای دولت در سال ۶۵، معادل ۴۸/۷ درصد خواهد بود." روشن است که نخست‌وزیر فریبکار جمهوری اسلامی آشکارا دروغ می‌گوید.

تاثیر نحوه صدور نفت بر بودجه

همانگونه که گفته شد کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت و کاهش درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی، تنها به عرصه بازرگانی خارجی محدود نمی‌ماند. از سوی دیگر نحوه معامله نفت و چگونگی صدور این ماده سوختی، نیز بر اقتصاد جمهوری

اسلامی، تاثیرات بسزائی بر جای می‌نهد. در جدول زیر میزان درآمد نفتی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه در سالهای اخیر و درآمد بدست آمده حاصل از فروش نفت ارائه شده است:

(واحد: میلیارد ریال)

سال	درآمد تعیین شده در بودجه دولتی	درآمد تعیین شده در بودجه مجلس	درآمد واقعی حاصل شده
۱۳۶۲	۱۱۹۶	—	۱۹۸۷
۱۳۶۳	۲۰۵۱	۱۸۰۰	۱۱۱۶۶
۱۳۶۴	۱۸۶۷	۱۶۵۰	۳۸
۱۳۶۵	۱۶۰۰	۲	۲

* درآمد یازده ماهه سال ۶۲ می‌باشد.
** بنا به اعتراف موسوی، از این درآمد تنها (۶ درصد به میزان نسبت هفت ماه سال جاری بدست آمده که حتی با حفظ همین درصد تا پایان سال، جمهوری اسلامی بیش از یک سوم از درآمد نفتی خود کسری دارد.
جدول فوق بر اساس آمار و اطلاعات رسمی (مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۲/۱۲/۱ و ۶۴/۹/۱) تنظیم شده است.

از سوی دیگر فروش هر چه بیشتر نفت بر اساس قراردادهای اسپات (spot)، یعنی فروش خرد و مبتنی بر معاملات کوتاه مدت، نیز بر اقتصاد کشور ضربه وارد می‌سازد. نوربخش رئیس کل بانک مرکزی فاش ساخت که میزان ارز قابل تخصیص به وزارتخانه‌ها و دوایر گوناگون دولتی بر اساس درآمدهای ماهیانه صورت خواهد گرفت. این وضعیت که ناشی از ناامنی صدور نفت و همچنین مبتنی بر قراردادهای فروش و معامله نفت بر اساس قراردادهای اسپات می‌باشد، نشانه وخامت اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی، و تجلی گر ناپسامانی‌های فزاینده می‌باشد.

ما در همان زمان تصویب بودجه سال ۶۴ از سوی مجلس شورای اسلامی، پیش‌بینی کردیم که درآمد نفتی منظور شده در بودجه سال ۶۴، غیر واقعی و غیر قابل حصول است (اکثريت شماره ۵۹)، در آن زمان هنوز جنگ به خلیج کشیده نشده بود و قیمت نفت تا بدین حد کاهش نیافته بود. اکنون اگرچه دولت رقم درآمد حاصل از فروش نفت را در سال ۶۵، تعدیل کرده و آن را تا حد ۱۶۰۰ میلیارد ریال پایین کشیده است، اما باز هم می‌توان گفت که دولت برای دستیابی به این رقم تعدیل شده نیز راه بسیار دشواری در پیش دارد.

ادامه دارد

رفسنجانی

پازم از کشتار بزرگ سخن گفت

هاشمی رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع در ملاقات با عده‌ای از پرسنل نیروی هوایی گفت: "بنا بر می‌رسد شرایط سیاسی که از آن دم می‌زنیم در حال تحقق است". رفسنجانی پیش از این اعلام کرده بود که "حمله بزرگ و نهایی" جمهوری اسلامی به عراق مشروط به فراهم آمدن شرایط سیاسی مطلوب می‌باشد. رفسنجانی با سخنان اخیر خود، بار دیگر به خطر حادتر کردن دامن جنگ قوت بخشید.

حملات هوایی ادامه دارد

در هفته گذشته علیرغم کاهش میزان و سطح حملات در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، گزارشاتی پیرامون ادامه حملات هوایی از سوی هردو طرف در رسانه‌های گروهی انعکاس یافت. رژیم عراق به حملات خود به ترمینال نفتی خارک ادامه داد و در عین حال گزارش شد که یک تلمبه‌خانه نفتی رادر بندر گناوه مورد حمله قرار داده است. ارتش عراق همچنین اعلام کرد که روز جمعه ۴ بهمن ماه به یک نفتکش و یک کشتی باری بزرگ در نزدیکی سواحل ایران حمله نموده است. ستاد مشترک نیز گزارش داد که روز جمعه ۴ بهمن ماه نیروی هوایی جمهوری اسلامی به دو نقطه واقع در شمال عراق حمله هوایی کرده است. منطقه احمدیه واقع در ۴۰ کیلومتری بغداد از جمله نقاط مورد حمله ایران گزارش شده است. در ضمن جمهوری اسلامی اعلام کرد که عراق به یک اتوبوس مسافربری در ناحیه بندر گناوه حمله کرده است که منجر به کشته شدن ۵ نفر از سرنشینان اتوبوس گشته است.

گزارشاتی پیرامون وقوع درگیری در مناطق ایلام و باختران نیز منتشر شد.

خرید جنگ افزار از پاکستان

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور حکومت اسلامی در مراجعت از سفر خود به پاکستان و چند کشور آفریقایی، روز پنجشنبه سه بهمن ماه به ملاقات خمینی شتافت تا گزارش از سفر خود و "ره‌آورد" آن را به وی ارائه دهد. خامنه‌ای که در اسر یک میات "بلند پایه" نظامی و سیاسی به پاکستان سفر کرده بود، نتایج بدست آمده از این سفر را "رضایتبخش" اعلام کرد. وی که در همین رابطه در مصاحبه‌ای شرکت کرده بود گفت که تلاش برای تحکیم و تعمیق "همه‌جانبه" روابط بین دو کشور جمهوری اسلامی و پاکستان صورت گرفته است.

با آنکه رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی کوشیدند تا وجه بازرگانی و اقتصادی دیدار ضیاالحق و خامنه‌ای را برجسته کنند، ولیکن گزارشاتی پیرامون ملاقاتهای نظامی بین سران دو کشور نیز درج گردید. از جمله این قبیل دیدارها و مذاکرات، باید به ملاقات سرهنگ سهرابی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی و همتای پاکستانی وی، ژنرال رحیم خان اشاره کرد. سرهنگ سهرابی همچنین با فرمانده نیروی زمینی پاکستان، ژنرال عارف نیز دیدار کرد و از یک کارخانه مهمات‌سازی پاکستان بازدید نمود. با توجه به سیستم

مشابه حاکم پر جنگ افزارهای دو کشور بدیهی است که حکومت از این قبیل ملاقاتها، تهیه جنگ افزارها و سازوبرگ نظامی مورد نیاز خود را دنبال می‌کند.

هراس رژیم از کاهش مجدد قیمت نفت

آقایان وزیر نفت جمهوری اسلامی روز شنبه ۵ بهمن ماه در مصاحبه‌ای با رسانه‌های گروهی رژیم شرکت جست و پیرامون سطح قیمت و بازار جهانی نفت و مسائل سازمان کشورهای صادرکننده نفت "اوپک" مطالبی ایراد نمود. سخنان آقایان به شکل کاملاً مشهود و محسوس، واهمه رژیم را از کاهش قیمت نفت بیان می‌کرد.

در هفته گذشته موسوی نخست وزیر نیز در جلسه میات دولت به کاهش قیمت نفت دریای شمال و افزایش میزان صادرات نفت این حوزه اشاره کرد. موسوی اعلام کرد که انگلستان قیمت نفت خود را از ۲۴ دلار به ۱۹/۵ دلار به ازای هر بشکه کاهش داده است. خامنه‌ای رئیس جمهور نیز در خطبه‌های نماز جمعه ۴ بهمن ماه گفت: "انگلستان طی روزهای اخیر قیمت نفت خود را ۱۰ دلار کاهش داده است."

احتمال کاهش سنگین قیمت نفت، سران رژیم را بطور جدی به هراس انداخته است. آقایان در مصاحبه خود مدعی شدند که جمهوری اسلامی برای حفظ قیمت فعلی نفت همه امکانات خود را یکبار خواهد گرفت. وی عدم توانایی جمهوری اسلامی به صدور بیشتر نفت را، عدم تمایل حکومت خواند و مدعی شد که جمهوری اسلامی میزان صادرات نفت خود را کاهش داده و در مقابل از سایر کشورهای عضو اوپک نیز چنین درخواستی دارد.

اجرای حکم تخلیه یک بیمارستان

با حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران، بخشی از بیمارستان کودکان "شهید محمد باقر صدر" بنا به شکایت و درخواست مالک، تخلیه شد. رئیس این بیمارستان اظهار نمود که چند ماه پیش نیز بخش دیگری از بیمارستان را تخلیه کردند و اینک یکی از

"نهاد هماهنگ کننده" دستگاه قضائیه و دستگاه اجرائیه

در هفته گذشته مقتدایی سخنگوی شورایی عالی قضائی در پایان جلسه مشترک سران دستگاه قضائیه و اجراییه گفت: بر اساس مصوبه این نشست، مقرر شد یک هیات عالی مشترک از دو نفر از اعضای شورایی عالی قضائی، نخست وزیر، وزیر اطلاعات، وزیر کشور و وزیر دادگستری در هفته آینده تشکیل جلسه داده و پیرامون قضایا به اتخاذ تصمیم بپردازند. مقتدایی موضوع مورد بررسی این جلسه را موارد عدم وجود هماهنگی بین دو دستگاه، مسئله زندانها، احکام پاکسازی افراد و مسائلی از این قبیل اعلام نمود.

خدمت به شیوخ و خوانین

کلیات "طرح قانونی اصلاح ماده ۶ قانون اراضی شهری" به مجلس شورای اسلامی ارجاع و با دوسوم آرا به تصویب رسید. بر اساس اصلاحیه مصوب مجلس بر ماده ۶ قانون اراضی شهری، دست خوانین و بزرگان مالکان مناطق جنگ‌زده برای چپاول بیشتر باز خواهد بود و این اصلاحیه با هدف خدمت به آنان تنظیم و تدوین شده است. طبق این اصلاحیه، مالکین زمین‌هایی که سندشان به تأیید نرسیده، فرصت خواهند داشت ظرف یکماه نسبت به مشروعیت بخشیدن به املاک خود اقدام نمایند.

رسانه‌های گروهی اطلاعات دیگری پیرامون مفاد این اصلاحیه و کلیات این طرح منتشر نکرده‌اند.

حساس‌ترین قسمتهای بیمارستان تخلیه شده است. عکسی که مشاهده می‌کنید، مربوط به تخلیه همین بیمارستان است. لازم به تذکر است که ظرف ماههای اخیر، چندین بیمارستان و درمانگاه فقط در سطح تهران، به علل مختلف تعطیل شده‌اند.



بودجه جنگ زندگان برای جنگ

۴۴ میلیارد ریال تنزل پیدا می‌کند.

لازم به تذکر است که بسیاری از جنگ‌زدگان کشورمان پس از گذشت چند سال، هنوز در چادر زندگی می‌کنند و حتی از چیره ناچیز روزانه ۱۲۹ ریال نیز محروم می‌باشند.

در جلسه علنی مجلس روز ۲۶ دیماه، یکی از نمایندگان مجلس اعتراف کرد که با آنکه در لایحه بودجه سال ۶۴، مبلغ شصت میلیارد ریال به جنگ‌زدگان اختصاص یافته بود، در عمل بیش از ۴ میلیارد ریال به این امر اختصاص نیافت. وی گفت "ولی در لایحه بودجه سال ۶۵ این رقم ۶۰ میلیارد ریال نیز به



اخیرا کوتاه

* واهمه رژیم از تکرار حوادث امجدیه، باعث آن شد که مسئولین از پخش مستقیم فینال فوتبال دسته یکم باشگاههای تهران که بین دو تیم استقلال و شاهین برگزار می‌شد، و وعده پخش آنرا داده بودند، خودداری ورزید. علت امتناع مسئولین از پخش مستقیم این مسابقه، همانا یازتاب حوادث احتمالی در تلویزیون می‌باشد. مسئولین با لغو وعده پخش مستقیم، اعلام کردند که فیلم مسابقه در انتهای برنامه‌های تلویزیونی بنمایش گذاشته خواهد شد. ترس از ازدحام مردم و مشتاقان فوتبال به استادبوم ورزشی مسئولین را واداشت تا با اتخاذ طرح ۱۵ دقیقه تاخیر، به پخش مسابقه بپردازند که هم مستقیم نباشد و هم بخشی از تماشاگران را به خود جذب نماید و از ازدحام بکاهد.

* طرح دو هفته کردن دانشگاه‌ها به مجلس ارائه شد. فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی ضمن اعلام خبر فوق، مطرح ساخت که هدف از این طرح افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها و استفاده هر چه بیشتر از استادان می‌باشد. وی مدعی شد که این طرح باعث بالا رفتن کیفیت تحصیل دانشجویان می‌شود!

* شافعی وزیر صنایع در گفتگو با خبرنگاران رسانه‌های دولتی رسا اعلام کرد که تولید کارخانه‌ها در سال جاری کاهش داشته است. وی علت این کاهش تولید را، کمبود انرژی و قطع مکرر برق اعلام کرد.

* پس از کم شدن دامنه تبلیغات رژیم بر سر "راهیان کریلا" که به منظور گردآوری هر چه بیشتر نیرو برای جبهه صورت گرفت، اخیرا سران رژیم متوسل به "راهیان کریلا ۲" شده و تبلیغات خود را پیرامون آن متمرکز کرده‌اند.

* روزنامه‌های محلی پاکستان گزارش کردند که ایران و پاکستان، شرکت مشترک کشتیرانی ایجاد می‌کنند. این شرکت که بنام "کمپانی کشتیرانی ایرناپاک" فعالیت خواهد کرد با مالکیت و مدیریت دو گانه ایران و پاکستان اداره خواهد شد.

* سرپرست بنیاد مستضعفان اعلام کرد که کلیه سهام این بنیاد از سه کارخانه نوشابه سازی به حوزه علمیه جامعه الزهراء، بصورت بلاعوض، واگذاری می‌شود. سهام واگذار شده شامل ۵۲/۴ درصد کل سهام شرکت ساسان، و ۱۰۰ درصد کارخانه "خوش‌نوش" در دوشهر همدان و ساری می‌باشد.

* آزمون دوره دکترای "دانشگاه آزاد اسلامی" برگزار شد. در این آزمون ۱۴۰۰ نفر داوطلب شرکت کرده بودند. مسئول "دانشگاه فوق" اعلام کرد که دوره دکترای این "دانشگاه" سه الی پنج سال طول می‌کشد و داوطلبان باید سالیانه مبلغ سی هزار تومان شهریه پرداخت نمایند.

کیمیان

صفحه ۲
یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۴

زارع ۸۵ ساله و پدر شهید بدادخواهی مالک شلاق خورد

* این پیرمرد در حین اجرای حکم بحال اغما افتاد

چندی قبل عده‌ای از کشاورزان روستای کریم آباد از توابع بخش زرنده ساوه ضمن اجتماع در برابر ساختمان دادگستری شهرستان ساوه، به صدور حکم شلاق برای ۸ نفر از کشاورزان و دامداران روستای کریم آباد اعتراض کرده و بدلیل کبر سن بعضی از شلاق‌خوردگان که یکی از آنان ۸۵ ساله و پدر یک شهید است، صدور چنین احکامی را غیر منطقی دانستند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره امروز خود نوشت:

در این باره یک عضو شورای اسلامی ده کریم آباد گفت: چندی قبل شخصی بنام منتصری مدعی مالکیت بر عرائع و چراگاههای حریم روستای ما شد که مورد مخالفت روستائیان قرار گرفت. این شخص پس از چندی، از دادرسی ساوه برای هشت نفر از کشاورزان و دامداران آبادی حکم پنجاه ضربه شلاق گرفت.

منتصری ادعا میکند که سه چراگاههای حریم روستای کریم آباد را دولت جهت «کنت و صنعت کامرانیه» در اختیار او گذاشته، ولی روستائیان نامه‌هایی از هیات ۷ نفره و گذاری زمین و همچنین جنگلداری شهرستان ساوه در اختیار دارند که کذب ادعای منتصری را ثابت میکند.

● حکم باید اجرا شود! با صدور حکم شلاق از سوی دادرسی ساوه، پاسگاه ژاندارمری زرنده ضمن تاخیر در اجرای آن، به دادگستری ساوه اطلاع داد که در میان محکومین به شلاق افراد ضعیف، سالخورده و خانواده شهید وجود دارد، لیکن دادگستری اجرای حکم را تأکید نمود و سرانجام علیرغم اعتراضات روستائیان حکم شلاق اجرا شد. یکی از شلاق‌خوردگان رستم شجری نام دارد که ۸۵ ساله است و پدر یک شهید نیز می‌باشد. وی از ناراحتی قلبی رنج می‌برد.

پیرمرد پس از تحمل ۳۴ ضربه شلاق به حال اغما افتاد و بلافاصله توسط روستائیان به بیمارستان مدرس ساوه منتقل شده و تحت عمل جراحی قرار گرفت.

چرخ تولید در صنایع کشور از کار بازمی ماند

اخراج کارگران و کارمندان به شدت ادامه دارد

به نقل از نشریه خبری "پیک فدایی" شماره ۱۱ - دی ماه ۱۳۶۴

* در کارخانه کولر سازی دیلمان به علت فقدان مواد اولیه، تولید کاملاً متوقف گردید و مدیریت ۲۸۰ تن از ۳۱ کارگر کارخانه را اخراج کرد. این امر با اعتراض جمعی کارگران مواجه گردید. کارگران در اعتراض به این تصمیم، اقداماتی را آغاز کرده اند. از جمله یا مراجع جمعی به وزارت کار، مسئولین را مجبور به صدور دستور ادامه پرداخت حقوق ماهانه خود نمودند.

* در واحد بسته بندی مواد غذایی فقط در آبان ماه ۱۵ تن از کارگران قراردادی اخراج شدند.

* در کارخانه پارس المان مواد اولیه موجود برای ادامه کار کافی نیست. از اینرو این کارخانه یک روز در میان کار می کند. غذای روزانه کارگران کارخانه نیز قطع گردیده است.

* در کارخانه دستمال کاغذی نوظهور که سهام عمده آن متعلق به بخش خصوصی است. چندین ماه است که تولید قطع شده است و کارگران در معرض اخراج قرار گرفته اند.

* در کارخانه اشتاد ایران در همراه تولید متوقف بود و پس آن با ورود قطعات و مواد اولیه از ژاپن، تولید از سر گرفته شد. اما هنوز هم وضعیت ادامه کاری این کارخانه مبهم است.

* در کارخانه پتو بافی شمس در اراک ۵۰ کارگر را اخراج ساختند. کارگران اخراجی از شکایت به امام جمعه شهر نتیجه ای نگرفتند. امام جمعه که از کارفرمای این واحد سهم امام می گیرد، کارگران را با امانت از منزل خود بیرون کرد. در پی آن دیگر کارگران این واحد در حمایت از اخراج شدگان دست از کار کشیدند و اعلام اعتصاب کردند. در چنین شرایطی اداره کار ناچار شد دستور بازگشت به کار اخراج شدگان را صادر کند.

* در کارخانه هابیلوکس ساعت کار روزانه دو ساعت کاهش یافته است. علت این امر، کمبود مواد اولیه عنوان شده است.

* کارخانه پتروشیمی کرچ بدلیل نداشتن مواد اولیه بکلی تعطیل شده است.

* در کارخانه فیات در آبان ماه تولید به مدت یک هفته متوقف شده بود. پس از آن در ۲۵ آبان با ورود مواد اولیه از خارج کشور تولید مجدداً از سر گرفته شد.

* در سازمان آب تهران در نیمه دوم آذر ماه ۸۰۰ نفر از کارگران پیمانی را اخراج کردند.

* در نورد اهواز در آبان ماه همه کارگران موقت را اخراج ساختند.

رجایی اخراج شدند. اخراج شدگان از پانزده نفر و همچنین اقدامات اعتراضی خود را دنبال می کنند.

* در نساجی قائم شهر چندی پیش به علت نبود مواد اولیه، سه شیفت کار تبدیل به دو شیفت کار گردید و به دنبال آن عده زیادی از کارگران به بهانه مازاد بودن اخراج شدند. اخیراً مدیریت تصمیم گرفته است مجدداً سه شیفت کار را دایر کند، اما حاضر به استخدام کارگران تازه نیست و می خواهد با کارگران موجود، سه شیفت کار را سازمان دهد. کارگران ضمن اعتراض به این تصمیم اعلام داشته اند حاضر به پذیرش آن نخواهند شد.

* در دانشکده تربیت معلم کرچ، کارگران شاغل در بخش ساختمانی پیش از چهار ماه حقوق خود را دریافت نکردند. این کارگران را خطر اخراج تهدید می کند.

* در کارخانه لاستیک سازی بریجستون شیراز سه شیفت کار به دو شیفت تنزل یافت. علاوه بر این تمامی کارگران و کارمندان را مجبور ساخته اند به مدت پنج روز به مرخصی بدون حقوق بروند. علت این تصمیمات ضد کارگری و ارتجاعی، ناتوانی مسئولین در تهیه مواد اولیه و تأمین سرمایه برای ادامه کار کارخانه می باشد. این کارخانه اینک در شرف توقف کامل تولید قرار گرفته است. کارگران که بخشی از حقوق خود را از دست داده اند و اینک با احتمال اخراج دسته جمعی مواجه هستند، به شدت نسبت به این اوضاع معترضند.

* در کارخانه شهاب، کار در قسمت تولید تلویزیون رنگی متوقف شده است.

* در کارخانه پشم پتو در تبریز اخراج کارگران ادامه دارد. تنها در همراه چهار کارگر را باز خرید کردند.

* کارخانه کبریت سازی ستاره ممتاز تبریز در آبان ماه به مدت دو روز به خاطر نداشتن مواد اولیه از کار باز ایستاد.

* در تبریز در کارخانه موتور من مدیریت اعلام داشت عده ای از کارگران مازاد بر نیاز هستند و اخراج خواهند شد.

* در کارخانه تراکتور سازی تبریز خط مونتاژ پروژه موتور تقریباً به حالت تعطیل در آمده است.

* در آبان ماه حدود ۷۰ تن از کارگران شهرداری بندرعباس را اخراج کردند. این کارگران هر یک بیش از دو سال سابقه کار داشتند. بخش قابل توجهی از حقوق و مزایای شش ماه آخر این کارگران را نیز پرداخت نکردند. اخراج شدگان در اعتراض به این اقدام و برای کسب مطالبات خود به طور دسته جمعی به ساختمان شهرداری رفتند و در اتاق کار شهرداری اجتماع کردند. از آنجا که شهرداری با بیان لاطاللاتی قصد پراکنده ساختن کارگران را داشت، آنان به شدت اعتراض کرده و واکنش نشان دادند. در پی آن تعداد زیادی پاسدار به محل ساختمان

* در شهریور ماه ۱۲۰ کارگر و کارمند شهرداری و جهاد سازندگی شهرستان نهاوند از کار برکنار شدند.

* در شهر کوچک رامهرمز ۲۲ تن از آموزگاران از کار اخراج شدند.

* در شرکت زمزم ایران در واحد عصاره گیری ۱۵ تن از کارگران اخراج شدند. این بار علت اخراج، اعتراض کارگران به ناکافی بودن دستمزدها و طرح تقاضای افزایش دستمزد بود.

* در شرکت طیف ایران (برپ سابق) از بیستم همراه به علت کمبود مواد اولیه ساعت کار کارخانه دوساعت و نیم کاهش یافته است.

* کمبود شکر به ایجاد اختلال در کار تولید کارخانه های نوشابه سازی تهران منجر شد. در برخی از این کارخانه ها تولید متوقف گردیده است و کارگران تنها برای کالری زدن باید به کارخانه مراجعه نمایند.

* در کارخانه صنعتی به شهر که دو هزار نفر در آن کار می کنند، تولید پجای سه شیفت در دو شیفت روزانه صورت می گیرد علت آن کمبود مواد اولیه است.

* ۱۶۷ نفر از کارگران کارخانه کشتی سازی خلیج فارس که در شهریور ماه اخراج شده بودند به طور جمعی اقدامات اعتراضی خود را پی گرفتند. بدنبال این اقدامات اخیراً ۹۵ تن از آنان به کار بازگشتند.

* در بندرعباس ۲۱ تن از کارگران تصفیه آب، سه تن از کارگران تعمیرگاه آب منطقه ای، ده تن از کارکنان اداره راه، گروهی از کارکنان قراردادی بانک مسکن اخراج گردیدند.

* در کارخانه آزمایش به علت کمبود مواد اولیه، چند خط تولید خوابیده است. علاوه بر این بیش از ۲۰۰ تن از کارگران را نیز اخراج کرده اند.

* در کارخانه تیر پارس، هیات مدیره تصمیم به اخراج ۲۵ نفر از کارکنان واحد گرفته است.

* کارخانه کیان تایر، کار در بعضی از قسمت ها را تعطیل کرده است.

* در صنایع نظامی اصفهان ۴۰ تن از مهندسين قراردادی اخراج شدند.

* ۶۱ نفر از کارگران شرکت تخته سه لائی

جنایت دیگری از مسئولین جمهوری اسلامی

تنها عامل بروز بیماریها مسری و عفونی در سطح شهر است، بلکه بخاطر اینکه بچه‌های محل خصوصاً دانش آموزان هر روز در رفت و آمد بین مدرسه و خانه یا آن سروکار دارند... خطر جانی برای بچه‌ها دارد و لازم است اقدام عاجلی جهت رفع این مشکل انجام گیرد. خود "عزتی" شهردار تبریز نیز در مصاحبه با همین روزنامه اعتراف می‌کند که "در تاپستان از سوی مدرسه مذکور به شهرداری نامه نوشته شد و خواستار اقدام در مورد وضع این منطقه شده بودند."

با همه این تذکرات، شهرداری به دلیل این که زمین این محل به صاحبان کوره‌های آجرپزی تعلق دارد و آنها آن را تحت عنوان خارج از محدوده به تملک خود درآورده‌اند، با تمکین به خواست این مالکان نه تنها هیچ گونه اقدامی برای رفع خطر از جان کودکان زحمتکش این منطقه نکرد بلکه پس از وقوع حادثه نیز با اوباشگری و قلدری از دیگران خواست قضیه را مسکوت گذاشته و دنبال مسببین واقعه نکردند. وی با بی شرمی و وقاحتی که تنها از مسئولین رژیم خمینی می‌توان انتظار داشت، خطاب به والدین کودکان قربانی شده گفت، "مگر آنجا محل عبور و مرور است که بچه‌ها از کنار آن عبور کرده‌اند؟" (کیهان ۱۷ دی)

روز چهاردهم دی ماه هنگامی که دانش آموزان دبستان "شهید بهروزیه" تبریز پس از اتمام درس به منزل خود باز می‌گشتند پنج نفر از آنها به فاضلاب منجمد منطقه، معروف به "قائنلی گول" (استخر خونی) سقوط کردند که بر اثر آن سه نفر از این کودکان کشته شدند.

اهالی شهر تبریز معتقد هستند که این واقعه نه یک حادثه بلکه جنایتی است که در پی دهن کجی آشکار مسئولین و دست اندرکاران رژیم خمینی به خواسته‌ها، سلامت و جان مردم صورت گرفته است. آنها می‌گویند این "استخر" قبلاً نیز چنین قربانیانی گرفته بود و اگر مسئولین شهرداری بی مبالائی و بی توجهی نمی‌کردند، این حادثه رخ نمی‌داد. این جنایت فجیع و دردناک موجی از خشم و نفرت عمومی را برانگیخت. خشم و غضب مردم علیه مسببین این واقعه باعث شد که برخی از مسئولین برای کزیز از نفرت و انزجار مردم پرده از روی این جنایت بردارند.

سرپرست بهداشت محیط در گفتگو با کیهان ۱۷ دی ماه توضیح داد که از سال ۶۱ تا همین اواخر نامه‌های متعددی به شهرداری تبریز نوشته و هشدار داده است که، "این گودال پر از لجن و فاضلاب نه

شهرداری آمده و وحشیانه به کارگران هجوم بردند که در نتیجه آن عده‌ای از کارگران مضروب گردیدند. چند کارگر مبارز را نیز دستگیر و زندانی نمودند.

* در واحد تولیدی آوانگان در طی ماههای شهریور، مهر و آبان حرکات اعتراضی امتدی از سوی کارگران صورت گرفت. علت این امر تصمیم مدیریت به توقف تولید و اخراج گروه کثیری از کارگران بود. اعتراضات کارگران باعث گردید که بخشی از خسارات ناشی از اخراج توسط مدیریت پرداخت گردد.

* آشفته‌گی امور در شرکت کاترپیلار همچنان ادامه دارد. تصمیم دولت در تخصیص ماشین‌آلات این شرکت برای جبهه‌های جنگ و نیز اخراج بی بی کارکنان، زمینه‌ساز اصلی بروز این وضعیت متشنج بوده است که اعتصابی را نیز در پی داشت. در موقعیت کنونی، وضعیت شغلی همه کارکنان دچار ابهام شده است. از سوی واحد حفاظت و وزارت بازرگانی شخصی برای سخنرانی و زمینه‌سازی تحمیل این تصمیمات به محل شرکت آمد. اما کارکنان شرکت به او اجازه صحبت ندادند و به دنبال آن درگیری‌هایی پدید آمد که منجر به بازجویی عده‌ای از کارکنان توسط سپاه گردید.

* در کارخانجات سنتیاب و سیکاپ، تولید به میزان قابل توجه‌ای کاهش یافته است.

* کارخانه کمپرسور با خطر تعطیلی مواجه است.

* برخی از بخش‌های کارخانه ایران خودرو و به صورت نیمه وقت کاری می‌کند.

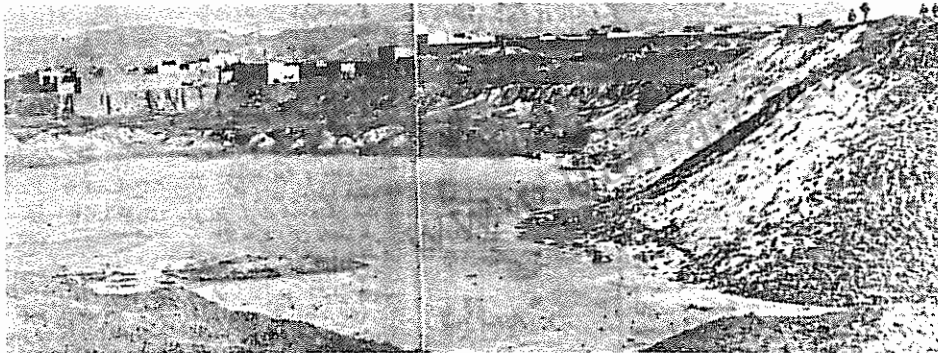
* کمبود مواد اولیه در کارخانه البرز باعث گردید که تولید در این کارخانه با نصف ظرفیت صورت پذیرد.

* در پلاستیک سازی پارس نیز تولید به صورت نیمه وقت صورت می‌گیرد.

* در واحد تولیدی ملایم تولید مختل بوده و تنها بخشی از ظرفیت کارخانه به کار گرفته می‌شود.

* در شرکت ساختمانی ماناسه ماه پشت سر هم -حقوق کارگران را پرداخت نکردند. کارگران این شرکت با دست زدن به اعتصاب توانستند مدیریت را وادار به پرداخت دستمزد معوقه نمایند.

* در کارخانه پارچه بافی چیت ری، آشفته‌گی شدیدی در کار تولید بروز کرده است و باعث گردید تولید به میزان زیادی تنزل نماید. علت این امر ناتوانی دولت در تامین ارز برای واردات مواد اولیه است. علاوه بر این برای تولیدات این کارخانه بازار وجود ندارد، زیرا سیاست دروازه‌های باز رژیم جمهوری اسلامی باعث گردیده است که بازار داخلی از انبوه کالاهای وارداتی انباشته شود. در این شرایط گفته می‌شود که مدیریت قصد دارد به شیفت کار روزانه را به دو شیفت کار تبدیل کند. در



تصویری از "قائنلی گول" (استخر خونی) تبریز که سه دانش آموز دبستانی در آن قربانی شدند.

کتاب‌های مالی رسیده

رفقای از هفتکل - خوزستان	۱۰۰ مارک
کمک مالی جمع آوری شده در جشن عروسی	
دو زوج فدایی - آلمان فدرال	۲۲۴۰ مارک
"دو برادر ایرانی" از همد	۱۰۰ روپیه
سه رفیق فدایی از همد	۲۱۵۰ روپیه
رفقای هوادار شهر دهلی	۱۰۰۰ روپیه
پاکد "شهید ناصر"	۱۵۰۰ روپیه
رفیق فیض - پاکستان	۳۰۰ روپیه
پاکد "درویدیه رفیق شمس"	۵ دلار کانادا
پاکد "رضی قهرمان"	۵ دلار آمریکا
پاکد "مهاجر سیاسی"	۵۰۰ پرومکزیکی

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای هوادار از شهر دهلی به یاد رضی قهرمان و

دیگر شهدای دانشکده فنی دانشگاه تهران

تأمین کردند

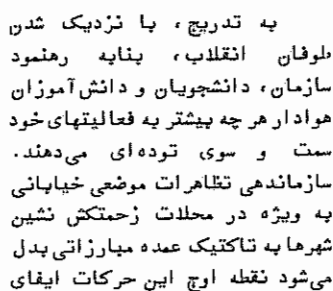
صورت اجرای این طرح تعداد زیادی از کارگران این کارخانه اخراج خواهند شد. هم اکنون نیز به بهانه‌های گوناگون کارگران را اخراج و یا بازداشت می‌کنند.

از سوی دیگر مدیریت به جای اقدام برای یافتن بازار جهت تولیدات کارخانه، دست به فروش مواد اولیه کارخانه از قبیل الیاف در بازار آزاد زده است.

* کار ادامه ساختمان کارخانه صنایع کاغذ مازندران (در شهرستان ساری) مدت‌هاست که کاملاً متوقف مانده است. در شهریور ماه

کارگران برای دریافت حقوق خود ناچار به اعتصاب شده بودند. با توجه به شرایط غیر قابل تحملی که به کارگران تحمیل شده است، گروه کثیری از آنان ناچار به استعفا و ترک کارخانه شده‌اند.

* در شرکت هاماراگ که میات مدیره آن توسط سپاه پاسداران منصوب شده است. یک صد تن از کارکنان زحمتکش را اخراج کرده‌اند.



بقیہ از صفحہ اول

۵۷، شاه با تمام تدابیر و دسایش
نتوانست حتی لحظه‌ای از لهیب این
مشعل سوزان بکاهد.
به عنوان آشکارترین نمود این
امر می‌توان اعتصابات سراسری
دانشگاه‌های کشور در اردیبهشت سال
۱۳۵۰ را ذکر نمود. از ۱۵ تا ۱۷
اردیبهشت، در اعتراض به اعدام
فدائیان اسیر و حمایت از مبارزه
فدائیان خلق تمامی دانشگاه‌ها و
مدارس عالی تهران و برخی از شهرهای
دیگر صحنه تظاهرات و اعتصاب
دانشجویان بود. هزاران دانشجوی
صدا فریادی زدند، "درد خلق ایران
بیر شهدای جنگل" و اعدام رئیس
دادستانی ارتش، تیمسار فرسیو را با
فریاد "فرسیو مرگت مبارک" شادباش
می‌گفتند.

بر اثر یورش وحشیانه پلیس
جمع کثیری از دانشجویان دستگیر
گردیدند و برخی از آنان به اتهام
سازماندهی تظاهرات بیش از یک سال
رندانی شدند. رفیق رضی الدین تابان
نیز جزو همین دسته از دانشجویان بود.
"رژیم شاه که اینک با موچ
تازه‌ای از مبارزات دانشجویی
مواجه شده بود، در صدد برآمد
که به خیال خود اقدامی اساسی و
ریشه‌ای به منظور آرام سازی
دانشگاهها انجام دهد. بدین
منظور در دومین کنفرانس
باصلاح آموزشی رامسر که در
تابستان ۵۰ تشکیل شد، طرح ایجاد
کارد ویژه دانشگاهها به منظور
کنترل و سرکوب مداوم جنبش
دانشجویی به تصویب رسید و شاه
این امر را از طریق یک مصاحبه
مطبوعاتی با وفاحت تمام
اعلام داشت." (به نقل از پیام
دانشجو، شماره ۲)

اما رژیم شاه با هیچ ترفندی نتوانست جنبش دانشجویی را از

فدائیان خلق و جنبش جوانان

حرکت باز دارد در تمام سال‌های دهه ۵۰ تا انقلاب بهمن و سرنگونی حکومت شاه حتی یک دانشکده نبود که صحنه درگیری رود روی دانشجویان با مزدوران شاه و شاعدر فریاد رزمندگی و افشاگرانه دانشجویان نباشد در این دوره نیروهای مارکسیست در دانشگاه تحت هدایت فداثیان خلق بودند که ابتکار اکثر فعالیتهای صنفی و سیاسی را در دست داشتند.

در زیر کلیشه‌هایی از اخبار
درج شده در نشریه نبرد خلق و پیام
دانشجو در مورد مبارزات دانشجویان
و دانش‌آموزان را مشاهده می‌کنید.

نظاہرات پر شور و احتجاجیان در میدان غار

روز یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ تظاهراتی وسیع در منطقه تهران توسط دانشجویان دانشگاه‌های تهران ترتیب یافتند. مدعیان اظهارات میدان مراسم، خیابان شاهپور و بازار میدان غازیو، آجود رزگر مهرداد گزینی اظهارات میدان نارستان:

دانشجویان دانشگاه صنعتی در ظرف روز پنجشنبه و جمعه به تناسلی نقاط جنوب شهر را انتخاب محل کردند و با استفاده از اعلامیه‌ها و باران برای این منظور انتخاب کردند.

دانشجویان در پی رهنمودهای جزوه "جنبش دانشجویی ایران و مسائل اساسی آن" نوشته جریکهایفند، اساسی خلوه ستایشی در قبی میدان غار پر درخته صبر نظارات، شمارها را راهای عقب نشینی، مسائل امنیتی و جمله به بانک را در قفا از قبل شخص کردند.

در افتخارات سال ۳۲ دانشکده مشهد نیز
دختران مبارز بطرز چشمگیری به پایتختی شرکت
داشتند و شهبانان به مقابله با کار مزدی پرداخته
و با جدافت خود نافرستی این عقیده غلط ارتجاعی
را که دختران توانایی انجام کارهای شهروان را ندارند ثابت کردند.

در اجتماعات دانشگاهی نیز در تاریخ ۱۳/۳/۵۲
به حمایت از دانشجویان مبارز و دانشگاه تهران (نقش)
اصفهان (پزشکی) و روضه و اهواز (کشاورزی) نیز
نقش در خیران به سبب و شگفت انگیز بود.

پرائیویٹ و انحصار

صبح روز گنجینه ۲۳ دیماه ۱۳۵۲ دانشجوین
دانشگاه اقتصاد جواهر آزادی رفقای دانشجوین
که از ۱۶۶ نفر بعد از تکیه شده بودند تظاهرات در
دانشگاه برپا کردند پس از برهم زدن امتحان و تکیه
شده ها، دانشگاه را در خیابان امید آباد بشوند.

— نظاہرات ۱۶ آنر در دانشکاء اصفهان —

در روز ۱۶ آذر دانشجویان رشته ریاضی-
فیزیک دانشگاه علم و هنر اهواز، از جشن بهار
فرهنگ و ورزش دانشجوهای این دانشگاه
در تهران، شرکت کردند و با شعارهای «تجداد مبارزه می-
کند» و «میزبان پرورش» که خطاب به «امیران کلاه-
سبز» نگاشته، شعارها را در دانشگاه اهواز آهنگ-
رانی کردند. دکتر دانشگاه که در کلاس بهیچ وجه در معن
دانشگاه و اشتغال کرده و حتی در کلاسهایش «مفسر»
دارد، در مجلسی با حضور دانشجویان دانشگاه، منتظر میماند
که در طبقه ملاها رسیده و از دانشگاه میجایست
بهر روز میماند.

اصال نیز دانش آموزان و پسرستانهای

نهران به پختنیانی از دانشجوستان ،
نظارات جالبی بمناسبت ۱۶ آذر بر پا
کرده و خاطره شهید دانشگاه را گرامی
داشتند .

دانش آموزان دبیرستانهای شرق و غرب آمریکا و دبیرستانهای کوبا و...

خیابانهای امیریه و منیریه واقع شده اند در روز ۱۲ آذر ماه در خیابانهای امیریه و منیریه تجمع کرده و با حمل پلاکارتهایی که

روی آنها شعارهایی به پشتیبانی از مبارزات دانشجویان و شعار گرامی باد خاطره شهید ای ۱۶ آذر نوشته شده بود، در حالی که فریاد می کشیدند "مرگ بر این حکومت پلید". بطرف دانشگاه راه می افتند.

گرامی باد و نامزد همین سالگرد و سیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران

را از دست داد. اما اکنون همچنان نیرومند و رزمنده با تکیه بر آرمان طبقه کارگر به انجام وظایف خویش در قبال جوانان کشوری می‌پردازد. شعارهای آنان که همه جا بر دیوارهای شهرها پوسه می‌زنند، اعلامیه‌های آنان که دست به دست می‌پرواز می‌کنند، "پیشگام" ارکان سازمان جوانان فدایی که وسیع‌التوزیع می‌گردد، حضور محسوس جوانان فدایی در حرکت‌های توده‌ای، کار پیگیر آموزشی در میان جوانان و... همه و همه شمره آن تاریخ خونبار آن میراث گرانقدر فدائیان و آن همه، عتق و دلیری و فداکاری است که اینچنین امید آفرین و آینده ساز گشته است.

گامی در جهت احیای پیمبر سنتو

بقیه از صفحه اول

مداخله جویانه امپریالیستی در منطقه است.

صریح‌تر از سفیر جمهوری اسلامی، روزنامه دولتی کیهان از طرح‌های شومی که تدارک دیده شده برده برمی‌دارد. این روزنامه در روز ۲۳ دیماه می‌نویسد، "در ارتباط با تهدید امنیت مرزی و ملی پاکستان از جانب دو کانون دهلی-وکابل و بطور اخص کابل، پاکستان می‌تواند با تنظیم مناسبات سالم و دو جانبه با تهران پیرامون مسائل فوق‌الذکر بنوعی از مصونیت... دست یابد"

یکی از هم‌راهان خامنه‌ای در این مسافرت سرهنگ سهرابی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی بود که بلافاصله پس از ورود به اسلام‌آباد در روز ۲۴ دیماه مذاکره با همتای خود ژنرال رحیم خان را آغاز کرد. این مذاکرات در دیدار با ژنرال عارف فرمانده نیروی زمینی پاکستان دنبال شد. طرفین حاضر شدند اطلاعات مشخصی در زمینه توافق‌های نظامی بدست آمده ارائه کنند.

پس از مسافرت تورکوت اوزال به ایران و توافق‌های وی با رهبران جمهوری اسلامی و احیای پیمان R.C.D. مسافرت خامنه‌ای کام مهم دیگری در نزدیکی جمهوری اسلامی یا کشورهای مرتجع منطقه است.

گسترش مداخلات مستقیم جمهوری اسلامی در افغانستان، زمینه مناسبی است برای نزدیکی با پاکستان و دیگر دولت‌های مرتجع منطقه. رهبران جمهوری اسلامی می‌کوشند بر ویرانه‌های پیمان سنتو پیمان نظامی تازه‌ای علیه افغانستان انقلابی برپا نمایند. پیمانی که تمام خلق‌های منطقه را هدف قرار خواهد داد. این پیمان نیز سرنوشتی جز پیمان سنتو نخواهد داشت.



نظارات ده‌ها هزار نفری انجام یافته به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام

تهران بطور هم‌زمان پنج راه‌پیمایی از دانشگاه صنعتی، دانشگاه تهران، دانشگاه پلی‌تکنیک، دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه علم و صنعت به سمت خیابان‌های جنوب شهر انجام یافت که به‌طور موثرندای خلق ترکمن، "صلح، زمین، آزادی" به گوش مردم رسانده شد.

در آغاز سال ۵۹ نشریه "نبرد دانشجو" منتشر شد.

دانشگاه در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ به فتوای خمینی و به نام "انقلاب فرمگی" مورد یورش مزدوران انجمن اسلامی، اوباشان حزب‌الله و پاسداران رژیم قرار گرفت. حکومت خمینی سخت از سنت‌های دمکراتیک دانشگاه برآشفته بود. در جریان این یورش جمعی از دانشجویان در شهرهای اهواز، رشت و تهران به دست ایادی رژیم کشته شدند. "پیشگام" مخالفت فدائیان خلق با تسلط جهل و خفقان و خرافه را بر دانشگاه و تعطیل آن به گوش همه مردم رساند.

در اواخر سال ۵۹ از فعالین جوان فدایی در کارخانه و روستا و ادغام سازمان دانشجویان پیشگام و سازمان دانش‌آموزان پیشگام، سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) تشکیل گردید و فصل‌نویسی در سیر فعالیت جوانان فدایی آغاز شد. اینک کارخانه و محله و روستا و پادگان و مدرسه و... کانون‌های رژیم جوانان فدایی و عرصه‌های شکل جوانان و هدایت جنبش‌های آنان گردید. سازمان جوانان فدایی روز بروز نیرومندتر شد.

به رغم یورش همه جانبه ارگانه‌های اطلاعاتی سرکوبگر رژیم به فدائیان خلق، سازمان جوانان فدایی موفق شد تشکیلات خویش را متناسب با شرایط جدید سازمان دهد. و هرچند رهبران و یاران ارزشمندی چون رفیق رضی‌الدین تابان و رفیق مرتضی میثی

تشکیل و تقویت شورای مدرسه، گسترش فعالیت‌های فوق‌برنامه و مقابله با اقدامات و سیاست‌های ارتجاعی انجمن‌های اسلامی را در پیش گرفتند. دانشجویان هوادار فدائیان خلق که از پیش از انقلاب با نام "دانشجویان پیشگام" گسترده‌ترین فعالیت را در دانشگاه‌های سراسر کشور انجام می‌دادند پس از انقلاب به عنوان رکن جنبش دانشجویی مورد استقبال وسیع دانشجویان قرار می‌گیرند. در انتخابات شورای دانشجویی بسیاری از دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها بیشترین درصد آرایه نام پیشگام به صندوق‌ها ریخته می‌شود. در برخی مراکز آموزش عالی، بیش از ۵۰ درصد دانشجویان به نمایندگان



جوانان ترکمن فریاد "صلح، زمین، آزادی" سر می‌دهند.

پیشگام رای می‌دهند. در راه‌پیمایی‌هایی که به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام در تهران صورت می‌گرفت گاه تا ۷۰ هزار نفر شرکت داشتند.

به دنبال جنایت فجیع مرتجعین حاکم در کشتار رهبران خلق ترکمن، دانشجویان پیشگام اعتراض سراسری جهت افشای این جنایت رژیم سازمان دادند. به طور مثال در

نقش تاریخی ده‌ها هزار جوانی بود که در میتینگ سازمان در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ شرکت داشتند و همراه با دیگران به پادگان‌های رژیم شاه یورش بردند که به سقوط قطعی رژیم شاهنشاهی انجامید.

انقلاب بهمن، آغاز گسترش فعالیت توده‌ای پیشگامان

پس از انقلاب، فعالیت در میان بخش‌های مختلف جوانان ابعاد بیسابقه‌ای می‌یابد. سازمان دانشجویان پیشگام و سازمان دانش‌آموزان پیشگام که قبل از انقلاب شکل گرفته بودند به سرعت گسترش می‌یابند. تمام پهنه میهن صحنه فعالیت‌های این بیشترین جوان رهایی‌رنجبران می‌گردد.

کارگران جوان بسیاری، سکر فدائیان را سکر مبارزه خویش می‌یابند. پیشگامان فعالیت گسترده‌ای را در روستاهای اقصی نقاط کشور پیش می‌برند. در روستاهای آذربایجان، کردستان، فارس،... فعالیت‌های آموزشی، تبلیغی وسیعی انجام می‌یابد. در بسیاری روستاهای ترکمن صحرا توسط پیشگامان جوان، کتابخانه‌های روستایی تشکیل می‌گردد.

در سراسر ترکمن صحرا جوانان روستایی به طور یکپارچه به مبارزه انقلابی جلب می‌گردند.

انبوه دانش‌آموزان آگاهی که پیشگام را سکر خود یافته‌اند، تمام مدارس را عرصه فعالیت‌های آگاه‌گرانه خویش می‌سازند. نشریه نبرد دانش‌آموز که در سال ۵۸ توسط سازمان دانش‌آموزان پیشگام انتشار یافت وسیعاً از طرف دانش‌آموزان مورد استقبال قرار گرفت و به تیراژ بالایی دست یافت. پیشگامان دانش‌آموز ایجاد و گسترش انجمن‌های صنفی،

گزارشی از کردستان

کرد زنده است!

بخش سوم

مبارزه مردم در شهرهای
اشغال شده

همچنان که گفتیم کردستان سرزمینی اشغال شده است. انقلاب بهمن تامدتی برای خلق کرد آزادی را به صورت مفهومی نسبتاً ملموس درآورد. اما دیری نپائید که تعرض آغاز شد، در چند مرحله. و بالاخره کردستان به سرزمین اشغال شده ای بدل گردید. حجت فوق العاده قوای متمرکز رژیم در این منطقه، هم بیانگر عزم رژیم برای تداوم و تشدید سرکوبگری و هم بیانگر عزم خلق کرد برای مقاومت است. به هر میزان که فشار افزایش می یابد، کردستان جلوه های تازه از مقاومت را بروز می دهد.

مقاومت در شهرهای اشغال شده اکنون مظاهر روشن و جا افتاده ای دارد. نیروی سرکوب منزوی است. نفرت متقابل! این تنها احساسی است که بین یک کرد و یک پاسدار حکومتی وجود دارد. در شهرهای اشغال شده، کرد با یک پاسدار حرف نمی زند، با کینه به او می نگرده، به او مشت نشان می دهد، تازمینه فراهم شود به مقاومت جمعی علیه او می گردد و هر آن مترصد فرصتی است که به او ضربه زند. وقتی در شهرهای کردستان پا

می گذارید یکی از اولین چیزهایی که توجه شما را به خود جلب می کند کمی تعداد جوانها در خیابانهاست. کرد جوان ندارد؟ چرا، در کردستان نیز ترکیب غالب جمعیت جوان است. اما در کردستان جوان بودن جرم است. ماشینهای گشت نیروهای سرکوبگر در خیابانها می چرخند تا جوانها را شکار کنند. بازجویی از پس بازجویی می آید. از کجا می آیی؟ به کجا می روی؟ در انبساط چیست؟ در چیست، در سرت و در قلبیت؟

هر روز که می گذرد از صولت نیروی سرکوبگر کاسته می شود و راه مقاومت جمعی تسهیل می گردد. امسال این مقاومت در همه شهرها مظاهر پرچسته ای داشت. نفرت خود ویژه کرد از رژیم، با بهره عمومی مقاومت توده ای در دوره جنگ شهرها ترکیب شد و به مبارزه در شهرها ابعاد تازه ای داد. شهرهای کردستان شاهد تظاهرات متعددی بود. مصیبت های ناشی از در جنگ- جنگ رژیم علیه کردستان و جنگ ایران و عراق- ابعاد وحشتناکی یافت که زمینه ساز اعتراضات توده ای مختلفی شد. در پیرانشهر و نقده کار به زرد خورد مردم با پاسداران کشید. سفر چندین بار شاهد تظاهرات بود. مهاباد و سنندج تحرک خاصی یافتند.



خبر از کشتار تازه ای آورده اند



از این جنایتها بسیار کرده اند

در خیابانهای خود می باشند. امروز به این گوشه شهر حمله ورمی شوند و فردا به گوشه ای دیگر.

درست است که اکثر حرکت های اعتراضی در مقابل مستقیم بانیروهای سرکوبگر شکل می گیرند اما تعداد حرکت های اعتراضی در طول خواسته های صنفی و اقتصادی نیز کم نیستند. محرومیت شدید مردم، فقر، گران و بیکاری فوق العاده و ستم و تبعیض و سرکوب از سوی حاکمیت عرصه وسیعی را برای بروز این گونه حرکات گشوده اند.

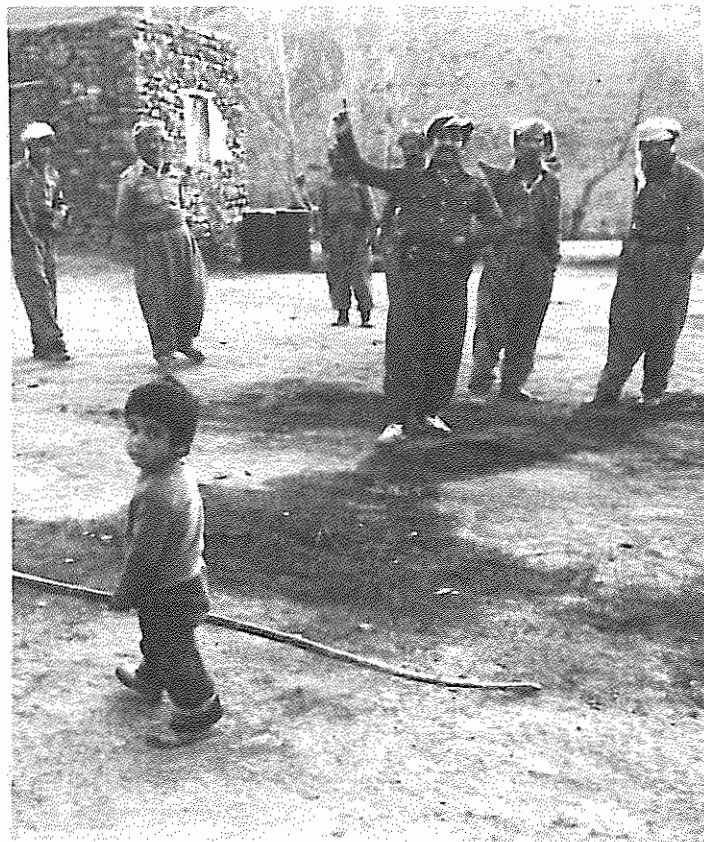
در روستاها

در روستاها چهره رژیم عربانتر است؛ در اینجا جمهوری اسلامی به «لورعیان یعنی گلوله و بمب و خمپاره» حتی در روستاهای چهل پنجاه خانوار نیز رژیم می گوشت پایگاه نظامی ایجاد نماید. تاسیس هر پایگاه تنها با ویران سازی و خونریزی در چند روستای همجوار میسر است.

روستاها تک تک تصرف شده اند. بنابراین هیچ روستایی

بر حجم اوراق تبلیغاتی سازمانهای انقلابی و بویژه سازمان ما افزوده شد، دیوارهای شهرها با شعارهای کوبنده ای تزئین شدند.

مردم برای حرکت آمادگی دارند. انگیزه ها قوی هستند و همواره حوادثی پیش می آیند که حکم چرخه را داشته باشند. در تاریخ ۲۵ مرداد آزار یک دختر کرد به توسط او باش سرکوبگر رژیم حرکت گسترده ای را در سنندج برانگیخت. مردم به اعتراض علیه سرکوبگران برخاستند و از برق سلاحهای آنها نهراسیدند. در همین شهر زورگویی رژیم در قالب تخریب خانه های زحمتکشان محلات شاهپیه ای، تظاهرات قاطعانه ای را موجب شد. در مریان دهقانان برای مقابله با سیاست تسلیح اجباری به حرکت اعتراضی در شهر نیز رو آورده اند. سفر نیز شاهد چنین حرکاتی بوده است. تا حرکتی پیش می آید مراکز فرماندهی قوای سرکوبگر انبوه نفرات مسلح را برای مقابله با مردم گسیل می کنند. شهرهای کردستان تقریباً هر روز شاهد جولان دادن آنها



جنش به خاطر تضمین آینده اوست که این چنین استوار ایستاده است

می‌توانند همچون "شاهو" و "دالاهو" و "آریابا" در برابر خصم سریلند و استوار بایستند، همچون صخره‌های این قله‌های پر شکوه محکم و خلل‌ناپذیر باشند و نشان دهند که اگر خاک کردستان بیش از اینها نیز با کلوله و بمب و خمپاره شخم گردد و زیر و زبر شود کرد همچنان زنده و رزمنده است.

هر شکل ممکن به جنبش ملی نیرو می‌رسانند. مردم خواهان تشدید مبارزه علیه رژیمند. مردم کردستان از مقاومت طولانی خود در برابر شاهان و شیخان درسها آموخته‌اند. آنها می‌دانند وقتی که متحد باشند، وقتی که همه خلقهای ایران متحد باشند،

سربازگیری وسیع نیز در این میان یکی از جنبه‌های سیاست تسلیح اجباری است. رژیم از این طریق هم می‌خواهد گوشت دم توپ برای تداوم جنگ با عراق داشته باشد، هم جوان کرد را در طی مدت سربازی زیر فشار تبلیغاتی و روانی قرار دهد. رژیم برای سربازگیری جاده‌ها را می‌پنسد، روستاها را محاصره کرده و خانه به خانه آنها را می‌گردد و در شهرها گشت‌های ویژه به راه می‌اندازد. این ستم‌گری و فشار با پاسخ قاطعی از سوی مردم مواجه شده است. جوانان کرد مصممند سرباز رژیم نشوند.

چه چیزی به مردم نیرو می‌دهد؟

روستاهای کردستان در زمره محرومترین روستاهای کشورند، سبیل فقر و فلاکتند اما در همان حال سبیل مقاومت نیز هستند. در نظر اول شگفت می‌نماید که روستاهای کردستان چگونه مقاومت می‌کنند؟ در گذشته بعد کافی محرومیت وجود داشت. به این محرومیتها محاصره اقتصادی و نظامی افزوده شد و بالاخره روستامورد هجوم نظامی قرار گرفت، قتل عام شد، تمام آن و یا بخشی از آن ویران شد، تخلیه گردید، جوانان آن کشته شدند، مردم آن دستگیر گردیدند، در آن پایگاه نظامی احداث شد اما مقاومت همچنان پابرجا ماند. جنبش با مردم یکی شده است. مردم از جان و مال و هستی خود می‌گذرند اما از جنبش نه. هر گام پیروزمندان جنبش، آنان را شادمان و امیدوار و نیرومند می‌سازد. آنها به

نیست که داغ‌های متعددی از رژیم به دل نداشته باشد. گام اول محاصره اقتصادی است، بعد محاصره نظامی پیش می‌آید، حمله آغاز می‌شود و وحشیانه خون ریخته می‌شود. کم نیستند روستاهایی که قتل عام شده‌اند. کم نیستند روستاهایی که متروک شده و یا با خاک یکسان گردیده‌اند. روستاهای بین میاندوآب و بوکان از این دستند. چه ستمهایی که بر روستاهای این منطقه روا داشته نشد. وضعیت آنها خود ویژه نیست. همه جا چنین است. همین اواخر چندین روستای مهاباد مشمول طرح ویرانسازی کامل شده‌اند. این، ناکتیک ستمگرانه و ضد بشری "زمین سوخته" است. همه جار می‌سوزانند و ویران می‌سازند.

رژیم اکنون بیش از دو سال است که به شدت سیاست تسلیح اجباری روستائیان را پی گرفته است. رژیم می‌کوشد "جاش" پیوری کند، با تنظیم و یا تهدید. اما مردم به هیچ رو حاضر نیستند علیه خودشان تفنگ بگیرند. مقابله در برابر سیاست تسلیح اجباری اکنون مهمترین جنبه مقاومت روستائیان در برابر رژیم است.

سرکوبگران برای این که رابطه روستائیان را با نیروی پیشمرگه قطع کنند فشارهای مختلفی به روستاها وارد می‌کنند. گاه از یک روستا گروگانگیری می‌کنند و گاه مقداری پول - که برای روستایی کرد بسیار کلان است - از هر نفر گرفته می‌شود تا تضمینی باشد برای این که افراد روستا به پیشمرگه کمک نکنند.

رژیم انحلال باشگاههای فوتبال را دنبال می‌کند

بقیه از صفحه اول
فلوآنی مدت بازیه‌ها، تغییر مکان بازیه‌ها، حضور مامورین امنیتی با لباس میدل در میان تماشاگران و عکس گرفتن از آنها و ... چنین وانمود کرده‌اند که گویا همه این مسائل سرفاجسه "انضباطی" و فنی داشته است. اما از همه شواهدی می‌آید که مسئولین تربیت بدنی جمهوری اسلامی در وحشت از تکرار تظاهرات ۱۷ مهر سال ۶۲ ورزشگاه امجدیه، تخریب ورزش کشور و به ویژه فوتبال باشگاه‌های دسته اول که هر بازی آن به یک تجمع ده‌ها هزار نفری منجر می‌شود را دنبال می‌کنند. کینه آنها به برخی تیم‌های فوتبال نیز از توانایی این تیم‌ها در جلب تماشاگر به ورزشگاه‌ها ناشی می‌شود. بعد از تظاهرات ۱۷ مهر سال ۶۲ رژیم به مدت بیش از هشت ماه از برگزاری مجدد مسابقات باشگاه‌های دسته اول تهران جلوگیری کرد. اما بر اثر مبارزه و فشار ورزش دوستان و از آنجا که حکومت قادر نبود برای همیشه جلوی این مسابقات را بگیرد بناچار با تمهیداتی به برگزاری آن تن داد. مسئولین تربیت بدنی و امنیتی جمهوری اسلامی برای از چذب و رونق انداختن مسابقات باشگاه‌های دسته اول و انتقال بازی‌های فوتبال به خارج از تهران، برگزاری مسابقات "لیگ قدس" (مسابقات سراسری بین استانها) را در برابر این سری مسابقات علم کردند و حضور تیمهای استانها را در آن الزامی اعلام نمودند. سیاست ایجاد

تضییقات مالی و اعمال فشار جسمی و روانی به اعضای تیم‌ها و بر هم زدن ترکیب آنها دنبال شد. هنگام با آن، جدول مسابقات و آیین‌نامه بازیهای باشگاه‌های دسته اول را نیز به گونه‌ای تنظیم کردند که تیم‌های سرشناس تا مراحل نهایی در دو گروه جداگانه به مسابقات ادامه دهند و رودرویی هم قرار نگیرند. همچنین برای مرعوب ساختن باشگاه‌ها و ایجاد فشار مالی بیشتر و کنترل آنها، باشگاه‌های پرسپولیس و ... را در اختیار بنیاد مستضعفان گذاشتند، در تعیین سرپرست و مربی تیم‌ها دخالت کردند.

هیات فوتبال تهران نیز در همکاری با مسئولین امنیتی جمهوری اسلامی اطلاعیه‌ای صادر کرده و در بند ۵ اطلاعیه از "دست اندرکاران متعهد و عکاسان و فیلمبرداران" خواست که با "ضبط و گزارش کوچکترین صحنه‌های ناپسند و سروصدای کاذب و خشن، مامورین انتظامی را در شناسایی و تعقیب و پی‌گرد متخلفین یاری نمایند." (کیهان ۱۷ تیر ۶۴)

اما حمایت تماشاگران از ورزشکاران و مقابله آنها با سیاست‌های ضد مردمی و ارتجاعی رژیم، هم چنان کابوس "مسئولین تربیت بدنی" و "امنیتی" رژیم بود که مرکز از آن امان نیافتند. بارها و بارها به بهانه‌های مختلف از قبیل عدم گنجایش و وضع ایمنی ورزشگاه‌ها، عدم همکاری شرکت واحد و پلیس تهران و ... بازی‌ها را به تعویق انداختند و در ورزشگاه‌ها را بستند تا با تجمع هزاران ورزش دوستی که در ورزشگاه‌ها گرد

می‌آیند و تنها به جرقه‌ای نیاز دارند تا شعله‌های آتش خشم خود را به مرتجعین حاکم نشان دهند، مقابله کنند.

رئیس پلیس تهران سرهنگ منظمی روز ۱۵ مهر در پاسخ به اطلاعیه هیات فوتبال مبنی بر به تعویق افتادن مجدد بازی‌ها تا "اعلام آمادگی پلیس تهران"، گفت قبلا پلیس تهران با تربیت بدنی توافق کرده بود که بازی‌های حساس در امجدیه برگزار نشود ولی تربیت بدنی توجیهی نکرده است. وی هم چنین استقبال مردم از بازی‌ها و وجود مصالح ساختمانی و آجرهای ریخته شده در ضلع جنوب غربی ورزشگاه را با توجه به درگیری‌های احتمالی، خطرناک خواند و اعلام کرد که برای جلوگیری از "حادثه سال گذشته" ... برگزاری مسابقات در این مکان مصلحت نیست. (کیهان ۱۵ مهر ۶۴)

آن تمهیدات تربیت بدنی برای تخریب ورزش کشور و توطئه‌اش برای دور کردن یکی از تیم‌های "مسئله‌ساز" و پرطرفدار و این سخنان رئیس پلیس تهران نشانگر این است که هدف رژیم نه یک تیم و باشگاه بلکه تخریب کل ورزش کشور و سرکوب خواسته‌های به حق مردم است. اما رژیم خبیثی با همه سرکوبگری خود قادر نیست جلوی ابراز نارضایتی و انزجار توده مردم را بگیرد. درگیری مردم با اوباشان حکومتی در اهواز در جریان بازی تیم‌های کرمان و خوزستان که باز مسئولین امنیتی و تربیت بدنی را ناچار به تعطیل و تعویق بازی‌ها (لیگ قدس) کرد، موبد این حقیقت تابناک است.

آپارتاید به سبک آخوندی

ضروریات تشریفات کردن نهاده و به اصول آپارتاید آخوندی، یعنی آپارتاید علیه نیمی از جامعه-زنان-، پایبند نمی‌ماندند و با از شرکت در ضیافتی که زنان هم در آن حضور داشتند سرباز می‌زدند. میهمانان ضیافت که در انتظار ورود عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی بودند، با چشمان حیرت زده خود دیدند که خامنه‌ای با توهین خشن و وقیحانه‌ای به میزبان، از شرکت در ضیافت خودداری کرد. همه حضار با موجود عجیب الخلقه‌ای به نام "رئیس‌جمهوری اسلامی ایران" به عنوان نمونه موجودات هم‌طرازش آشنا شدند. آیت الله صافی دیبیر شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی عمل خامنه‌ای را به عنوان مظهر پایبندی به "شعائر اسلامی" ستود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی اخیرا به چند کشور آفریقایی که به "کشورهای خط مقدم جبهه علیه آپارتاید" موسومند، سفر کرد. رسانه‌های گروهی رژیم این خبر و گزارشهای مربوط به آن را به تفصیل و با آب و تاب بسیار، به عنوان گواه بارزی بر دفاع پرشور حکومت فقها از "مستضعفین جهان" و از جمله از مردم جنوب آفریقا بازتاب دادند. اما تصادف چنین خواست که رئیس‌جمهور اسلامی، در تانزانیا در برابر انتخابی قرار گیرد و می‌ش باز شود. جریان از این قرار بود که در برنامه سفر خامنه‌ای، دیدار با مقامات تانزانایی و شرکت در ضیافتی پیش‌بینی شده بود. از آنجا که در تانزانیا، برخلاف ایران، شاری از مقامات دولتی زن هستند، آقای خامنه‌ای و همراهان یا می‌بایستی به

از خون جوانان وطن . . .



تصنیف مشهور "از خون جوانان وطن لاله دمیده را که در دشتی خوانده می‌شود، همگان شنیده‌اند. این تصنیف یکی از گرانبهاترین آثار عارف قزوینی است. تصنیف مذکور را عارف پس از فتح تهران و کشایش مجلس دوم در دوران جنبش مشروطیت به یاد قربانیان این انقلاب سروده و به حیدر

عمواوغلی تقدیم کرده است. این تصنیف یکی از مظاهر هنر توده‌ای انقلابی است. تصنیفی است زیبا، قوی، پرشور و نافذ. آنگاه که سروده شد بلافاصله ورد زبانها گردید. هم اکنون نیز خوانده می‌شود. تا زمانی که در راه آزادی در ایران جان بیاید باخت و تا زمانی که از خون جوانان وطن لاله می‌دمد و سر از ماتم سرو قدشان می‌خمد، این تصنیف طراوت و تازگی خود را حفظ می‌کند و شور برمی‌انگیزد. اول دی ماه برابر است با پنجاه و دومین سالگرد درگذشت عارف. در گرامی‌داشت یاد وی و گرامیداشت همه دهانهای که از مشروطیت تاکنون با شور و امیدواری و دلآوری تصنیف "از خون جوانان وطن" را خوانده‌اند، متن این تصنیف را در زیر درج می‌کنیم:

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت) خدا گشت چمن شد
دربار بهاری نهی از زاغ و (جانم زاغ و خدا زاغ و) زغن شد
ازابر کرم خطه ری رنگ خن شد
دلنگ چومن مرغ قفس بهروطن شد

چه کجرفتاری ای چرخ، چه کجرفتاری ای چرخ، سر کین‌داری ای چرخ،
نه دین‌داری، نه آیین‌داری ای چرخ!

از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سروقدشان سروخمیده
در سایه گل بلبل ازاین غصه خزیده
گل نیز چومن درغشان جامه دریده
چه کجرفتاری ای چرخ...

خوابند و کیلان و خرابند و زیران
بردند بهسرت همه سیم‌وزد ایران
مارا نگذارند به یک خانه ویران
یادرب بستان داد فقیران زامیران
چه کجرفتاری ای چرخ...

از اشک همه دوی زمین زیر و زیرکن
مثنی گرت از خاک و وطن هست بهسرکن
غیرت کن و اندیشه ایام بترکن
اندو جلو تیر عدو سینه سپرکن
چه کجرفتاری ای چرخ...

از دست عدو ناله من ازسر درد است
اندیشه هر آن‌کس کند ازمرگ نمرود است
جانیازی عشاق همچون بازی نرد است
مردی اگرست هست کتون وقت نبرد است
چه کجرفتاری ای چرخ...

کاریکاتور جملات

شیخ‌های عربستان بوی نفت می‌دهد و
لیاس شیخ‌های تهران بوی خون.

* نسبت قارقارک به پشم شیشه
مانند نسبت رادیو است به تلویزیون
در جمهوری اسلامی.

* فرق رفسنجانی با گویلز در
این است که یکی آلمانی حرف می‌زد
و یکی فارسی حرف می‌زد.

* فرق حرف زدن ملاها با عربها
در این است که عربها، عربی را خلاص
حرف می‌زنند ولی ملاها وقتی کبیر
می‌کنند و کم می‌آورند از بعضی
کلمات فارسی هم استفاده می‌کنند!

* فرق کاپینه یک دست با رئیس
جمهوریک دست این است که دومی یک
دستش را بر منبر از دست داده است
ولی اولی در صحنه سیاست، اگر هم
حرفشان به گوش مردم نمی‌رود علتش
آن است که از قدیم گفته‌اند یک دست
بی صدا است!

* نسبت بختیار به رضا
نیم پهلوی مساوی است با نسبت هویدا
با رضا تمام پهلوی. این رضا و آن رضا
جمعا می‌شوند رضایک و نیم پهلوی حال
آنکه بختیار و هویدا می‌شوند نخست
وزیرهای بی‌پهلوی! (چون اوضاعشان
خیلی درهم است جمله ما هم در هم
شد!)

* فرق تلویزیون ایران با منبر
و عاقل در این است که اولی پخش غیر
مستقیم است و دومی پخش مستقیم!

* فرق صدام با خمینی در این
است که اولی می‌خواهد سمت شرقی
اروند رود را خراب کند و دومی
می‌خواهد سمت غربی را ویران کند -
یک فرق دیگرشان هم این است که یکی
لیاس نظامی می‌پوشد و دیگری لباس
جوزه‌ای و فرق دیگرشان هم این است
که یکی فرمانده کل قوا است و آن یکی
فرمانده کل نیروهای مسلح و آخرین
فرقشان این است که واقعا فرقی باهم
ندارند!

* فرق منتظری با یک
فوتبالیست این است که منتظری
ندیده شوت می‌کند!

* فرق ضیال‌الحق با ضیال‌باطل
یستکی به این دارد که باد از کدام
طرف بوزد.

* در مجلس شورای اسلامی فرق
بعضی با بعضی دیگر این است که
دومی‌ها "بعضی دیگر" هستند حال آنکه
اولی فقط "بعضی" هستند!

* فرق شیخ‌های تهران با شیوخ
عربستان در این است که دومی‌ها
لباسشان تمیزتر است و یک فرق
دیگرشان هم این است که لباس



بیشتر آشنا شویم. شعر "سرگذشت من" که ترجمه آن را در زیر می‌خوانید، توصیف بسیار زیبا، هنرمندانه، ظریف، زلال و فروتنانه‌ای است که ناظم حکمت از خودش ارائه می‌دهد. این شعر را ناظم حکمت در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱، تقریباً دو سال پیش از مرگش در برلین سروده است.

۳۰ دی برابر بود با هشتاد و چهارمین سالگرد تولد ناظم حکمت، شاعر انقلابی ترک. ناظم حکمت برای همه انقلابیون جهان، همه آنانی که برای سعادت انسان می‌رزمند و آنانی که به انسان و هنر انسانی عشق می‌ورزند، نامی آشناست. ناظم حکمت در ایران نیاز چندی به معرفی ندارد. اگر نیازی هم باشد، ما ترجیح داده‌ایم این بار از طریق خود او با وی

سرگذشت من

ناظم حکمت

اما هرگز پشت سر دوستانم پد نگفته‌ام.
نوشیده‌ام
بی آنکه دائم الخمر شوم
و مغرورم به این که همواره نان نجوینم را
با عرق چپین درآورده‌ام.
شرم داشته‌ام که برای آزار دیگران
دروغ بگویم
و هرگاه دروغ گفته‌ام
بی علت نبوده است.
من یقیناً، ماشین و هواپیما سوار شده‌ام
خیلی‌ها توفیق این را نداشته‌اند.
من به تماشای اپرا رفته‌ام
خیلی‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند چنین امکانی داشته باشند
اصلاً اسم اپرا را هم نشنیده‌اند.
از سال ۱۹۲۱ به بعد
من نیز به خیلی‌جا‌هایی که دیگران رفته‌اند، نرفته‌ام،
به مسجد، کلیسا، معبد، کنیسه و جای جنبل و جادو
اما بارها داده‌ام بر اینم فال قهوه بگیرند.
نوشته‌هایم به سی چهل زبان چاپ شده‌اند
این نوشته‌ها فقط در ترکیه خودم
و به زبان مادریم ترکی، ممنوعند.
تاکنون دچار سرطان نگشته‌ام
اما بعید نیست یک روز مبتلا گردم.
امیدی ندارم وکیل و وزیر بشوم
تمایلی هم ندارم.
هرگز درگیر یک جنگ نشده‌ام
و مجبور نبوده‌ام
به پناهگاهها بگریزم
و یا آنانی را که می‌گریزند، به گلوله ببندم.
اماداشتم ۶۰ ساله می‌شدم
که دوباره عاشق گشتم.
سخن کوتاه رفقا!
اگر همین امروز، در برلین، از غصه دق مرگ شوم
می‌توانم بگویم:
من روی زمین، به گونه‌ای انسانی زیسته‌ام
و حالا چه کسی می‌داند
چه مدت دیگر زنده خواهم ماند
و عاقبت چه بر سرم خواهد آمد.

در سال ۱۹۰۲ زاده شدم
ویدانچایی که زاده شدم
هرگز بازنگشتم
چرا که دوست ندارم به عقب برگردم.
در سه سالگی باید بزرگم در حلب زندگی می‌کردم
در ۱۹ سالگی دانشجوی دانشگاه کمونیستی مسکو شدم
و سی سال بعد
در ۴۹ سالگی در مسکو
همان کمیته مرکزی حزب بودم.
از ۱۴ سالگی شعر می‌گویم.
بعضی آدمها، انواع گیاهان را می‌شناسند
و یا ماهیها را
من انواع جدایی‌ها را،
بعضی اسامی ستاره‌ها را از برمی‌دانند
و من اسامی حسرت‌ها را.
در زندانها خوابیده‌ام و در هتلهای بزرگ
اغلب گرسنگی کشیده‌ام
به اعتصاب غذا هم دست زده‌ام
و یاد گرفته‌ام اسامی غذا‌هایی را که هرگز پد آنها لب نزده‌ام.
در ۲۰ سالگی به دار کشیدم را میخواستند
در ۴۰ سالگی به من جایزه صلح دادند.
در ۲۶ سالگی
شش ماه از کار طول کشید تا یک سلول یتونی سیاه چهارمتری را در نور دیدم
در ۵۹ سالگی
بایک پرواز هیجده ساعته، از پراگ به هوانا رفتم.
لنین را ندیده‌ام!
اما در سال ۱۹۲۴ بر سر تاپوتش به احترام پاس دادم
در ۱۹۶۱ کتابهای به یادگار مانده از او را زیارت کردم.
کوشیدم مرا از حزب جدا کنند،
نتوانستند!
بت‌های خرد شونده نتوانستند مرا در هم بشکنند
در ۱۹۵۱ بایک دوست جوان در دریا
به استقبال مرگ شتافتم.
در ۱۹۵۲ در حالی که قلمم با اضطراب می‌تپید
چهار ماه تمام در بستر افتادم و مرگ را انتظار کشیدم.
آنگاه که عاشق می‌شدم، به شدت حسود می‌گردیدم
اما در مورد هیچ‌کس مثل شارلوت رشک نورزیده‌ام
به آن کسی که دوست می‌داشتم، دروغ نیز می‌گفته‌ام



پروژکتور در یک اردوگاه آموزشی
ضد انقلابیون، افغانی در پاکستان

هیچیک از مجاهدین، به غیر از فرمانده هانشان، نمی دانند که اینها مامورین ما هستند. این نقشه باید در تمام مراحل آن سری بماند.

محمد احمد خان، معاون رئیس اداره اطلاعات استان مرزی شمال غربی پیشاور.

رونوشت به دفتر نظامی رئیس جمهور پاکستان.

رئیس کمیته آوارگان افغانی. سخن از چه تصمیمی است؟ جواب روشن است. چند سال است که آمریکا اول فروردین (۲۱ مارس) هر سال را روز افغانستان اعلام می کند.

سرویسهای جاسوسی آمریکا، یعنی گردانندگان جریان، برای موثرتر کردن کار خود، از "مجاهدین" می خواهند بمناسبت ماه رمضان یا مناسبتهای دیگر اقدامات تروریستی و خرابکاری ویژه ای انجام دهند. مثلا بیست و یکم مارس ۱۹۸۴ که روز اول سال جدید هجری بود، در یک مسجد کابل هنگام اقامه نماز، بمبی توسط تروریستها منفجر شد که به کشته شدن چهار تن و زخمی گردیدن ۲۱ نفر انجامید. همین ماجرا روز آخر سال ۱۳۶۲ در پر رفت و آمدترین ساعت روز در بازار کابل اتفاق افتاد. ۳۰ نفر را به بیمارستان بردند، و از میان آنها عده ای هم از مرگ نجات نیافتند.

اشاره برای عملیات خود مایلند اعیاد ملی و سالگردهای انقلابی و سایر مناسبتهای مشابه را برگزینند تا محیط جشن را دچار اختلال ساخته و نشان دهند که ضد انقلاب قدرتمند بوده و قادر است هر لحظه اقدام نماید.

مردم افغانستان با خشم و کین این اقدامات تروریستی را محکوم می کنند.

این واژه ها، سخنان تقریباً همگی مردم بود، "دشمنان نمی توانند در اراده ما خلل وارد سازند، نمی توانند روحیه مبارزاتییمان را تضعیف کنند و انقلابی را متوقف سازند که بخاطر آینده ای بهتر برای خلقمان انجام گرفته است."

به فهرست مندرجات جزوه نگاهی می افکنیم؛ "چگونگی کاربرد سلاحهای سبک"، "انواع فنون جنگی"، "سلاحهای شیمیایی و استفاده از آنها"، "استفاده از مین های ضد تانک و ضد نفر"، "موشک اندازها"، "کمین"، "شیوه های استتار"، "پنهان شدن در کوهستان و مناطق مسطح"، "ناپودی چاده ها، پل ها و خطوط ارتباطی"، "نبرد با دشمن قوی تر"، "رفتار هنگام بازداشت"، "رمز نویسی و جاسازی" و غیره.

"جزوه آموزشی" دیگر نامش "جنگ در پشت جبهه دشمن" است. این جزوه برای اعضای ستون پنجم، یعنی ضد انقلابیون مخفی نوشته شده و حاوی توصیه ها و رهنمودهای یکلی متفاوتی است، از قبیل یافتن پوشش علنی، خرابکاری در محله و در سرکار، نفاق افکنی میان مسئولین و افراد زیر دست آنها، فروشنده گان و خریداران و غیره، پراکندن شایعات وحشت آور، چگونگی و محل انبار کردن اسلحه و یا درست کردن مواد منفجره و غیره.

از یادمان نرفته که چندی پیش خبر کمک سرویسهای جاسوسی آمریکاییه ضد انقلابیون نیکاراکوئه از طریق تنظیم چنین جزوه هایی و واکنش عصبی نمایندگان سیاه پرست در مخالفت این سازمان در این اقدام، چه جنگالی پراکنیخت.

در کنفرانس مطبوعاتی یاد شده، برای مقایسه "دستور العمل" های تنظیمی برای ضد انقلابیون نیکاراکوئه هم ارائه شد. برای تنظیم رهنمودهای ویژه ضد انقلابیون افغانی، زیاده تنوع به خرج نداده اند. ساختار مطالب جزوه، توصیه ها و حتی تصاویر یکی است. فقط دو سه کلمه اسلامی به آن افزوده اند.

سرویسهای جاسوسی آمریکا در مبارزه علیه افغانستان دمکراتیک پیوند تنگاتنگی با سرویس جاسوسی پاکستان دارند. دلیل آن، سندی است که اخیراً در روزنامه حقیقت انقلاب شور به چاپ رسید. متن آن چنین است:

"کاملاً سری.

به رئیس اداره اطلاعات پاکستان در اسلام آباد.

۶ فوریه ۱۹۸۵

طبق تصمیم اتخاذ شده در مورد ایجاد جو آشوب در افغانستان و به ویژه در کابل تا پایان سال جاری، ۵ نفر توانا در اختیار گروههای مجاهدین گذاشته و آنها را به افغانستان فرستاده ایم. همه آنها مدارک شناسایی افغانی دارند.

مردم بیگناه، آماج جنایات اشرا افغانی

بقیه از صفحه ۱۶

غلاوه برسم، در پیشاور به او مدارکی دادند که بسیار با مهارت جعل شده، به اضافه پول سفر به کابل و برگشت و یک رهنمود شفاهی برای رئیس باند مستقر در کابل. زهر قرار بود وارد آب آشامیدنی ناحیه ۸ شهر شود زیرا در آنجا چند ارگان مهم دولتی و دو دبیرستان دخترانه قرار دارد.

فرد افغانی تاکید کرد؛ "این نکته آخری خیلی مهم است. در رژیم جدید، خواهران ما هر روز سه هواتر می شوند، شرع را فراموش می کنند و دیگر یادشان می رود که جایشان کجاست. چندی قبل برای ماموریتی به کابل رفته بودم و دیدم که چگونه زنان و دختران بی شرم، بدون حجاب به خیابان می آیند. مدرسه ها پر از دختر است. در تظاهرات، دختران در صف اولند. باید آنها را ترسانند تا دیگر از این کارها نکنند."

طبق نسخه سیا

رهبری ضد انقلاب اقدامات خرابکاری و تروریستی را از مهمترین شیوه های مبارزه با دولت مردمی افغانستان می داند و می خواهد از این طریق به ویژه مردم را ترسانده و ناآرامی ایجاد کند. عملیات تروریستی، توسط گروههای کوچکی انجام می گیرد که تحت سرپرستی متخصصین سرویسهای جاسوسی آمریکا، پاکستان و برخی کشورهای غربی برای این کار آموزش ویژه می بینند. آنها مسئولین حزبی و دولتی و نظامیان را به قتل رسانده و یا می ربایند و در ساختمانها و تاسیسات عمومی، فرودگاهها، انبارهای سوخت و آب، نیروگاهها و خیابانها دست به خرابکاری می زنند. یک شیوه دیگر، زیر آتش گرفتن مناطق مسکونی به کمک خمپاره و نارنجک انداز است.

اخیراً خبرگزاری افغانی باختر یک کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داد. در آنجا به روزنامه نگاران دستور العمل هایی نشان داده شد که سیا برای اردوگاههای واقع در پاکستان، که محل آموزش تروریستهاست، و نیز باند های تروریست مستقر در افغانستان تنظیم کرده است.

یک نمونه، جزوه ای در قطع جیبی است با نام "آموزش در جنگ پارتیزانی". این جزوه را گروه ضد انقلابی "حزب اسلامی" پخش می کند.

پول، سه راه یک باند مخفی در کابل بدهد. به او قول مقدار زیادی دلار داده بودند. وی افزود؛ "می خواستم با این پول به اروپای غربی یا آمریکا بروم، در آنجا تحصیل پزشکی ام را به پایان برسانم و در یک بیمارستان شغل بگیرم. مدت ها است آرزو دارم بیماران را شفا بدهم."

من گوش می کردم و فکر می کردم اشتباه می شوم. کشتن انسانها برای شفا دادن انسانهای دیگر؟ این فرد که ۲۸ سال بیشتر ندارد از کجا چنین منطق ضد بشری را آموخته است؟ او که هم از لحاظ زمان و هم از لحاظ مکان، فاصله زیادی با اردوگاههای مرگ نازی ها، جایی که جلادان سفید پوش "آزمایش" های وحشیانه خود را روی انسانها انجام می دادند، دارد! آیاسه سال زندگی در غربت از او یک قاتل بی رحم ساخته است؟ اگر چنین است، معلمین او کیانند و وجدانشان کجا رفته است؟

غلام حیدر گول وسوسه رادیوهای خارجی را خورده و به پاکستان گریخته بود تا در "جهان آزاد" زندگی آسوده موعود را جستجو کند. اما در آنجا مجبور شده بود به خاطر نان شب، مشغول کننده ترین کارها را انجام دهد و تازه در قرض هم فرو رفته بود. غلام حیدر ناامید، بالاخره به ورزک رفت، جایی که افرادی مانند او لااقل زیر سقفی می خوابند، کم و بیش سیر غذا می خورند و تازه "پورس" درست و حسابی ای هم می گیرند.

وی در فوریه ۱۹۸۴ به دفتر اردوگاه احضار شد و در آنجا با معلم خود، یک فرد پاکستانی، نماینده یکی از احزاب افغانی ضد انقلابی مستقر در پاکستان و فردی که او را "دوست آمریکایی" می نامیدند به گفتگو نشست.

یکی از آنها به حیدر گفت؛ "ما سوابق شما را دقیقاً بررسی کرده ایم و نمی خواهیم بعنوان عضو ساده یک گروه از مجاهدین از شما استفاده کنیم. یک لحظه فکر کنید؛ در این صورت می بایستی دائماً تحت فشار باشید، دائماً آماج گلوله اید! شما که تحصیل کرده اید، لازم نیست این کار را بکنید. فقط کافی است ماموریتی از جانب ما انجام دهید. در حقیقت ریسک این کار صفر است و در برابر شما، آینده مطمئنی قرار دارد."

ببرک کارمل، افغانستان خواهان تضمین‌های بین‌المللی است

ببرک کارمل رهبر افغانستان در مصاحبه‌ای با روزنامه ژاپنی "آسامی" اظهار داشت ایالات متحده آمریکا سیاست تجاوز و مداخله خود در امور داخلی افغانستان را از طریق دامن زدن به جنگ اعلان نشده علیه مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه می‌دهد. وی افزود طرح‌هایی که کاخ سفید اخیراً برای به اصطلاح "آشتی" در افغانستان ارائه کرده، چیزی نیست جز "آشتی به سبک آمریکایی". کارمل گفت طرح‌های آمریکا نتایج انقلاب ثور را به کلی نادیده می‌گیرد و هیچ ربطی به برقراری صلح واقعی ندارد. رهبر افغانستان تأکید کرد این طرح‌ها تنها در خدمت منافع امپریالیسم آمریکاست.

دبیر کل حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان ساخت دولت این کشور بارها اعلام کرده است که افغانستان خواهان تضمین‌های قابل اطمینان بین‌المللی برای قطع هر گونه تجاوز مسلحانه و هر گونه مداخله در امور داخلی این کشور است.

ببرک کارمل مذاکرات میان افغانستان و پاکستان به وساطت نماینده شخص دبیر کل سازمان ملل متحد را تریخش خواند. وی گفت این مذاکرات به گسترش تفاهم متقابل میان دو کشور یاری رسانده است.

فرید ظریف، سفیر افغانستان در سازمان ملل، در یک کنفرانس مطبوعاتی در نیویورک اعلام کرد کشورش آماده است در هر موقع مذاکراتی با پاکستان

در باره حل مسالمت آمیز بحران در این منطقه آغاز کند و با پاکستان در باره تدابیر تشنج زدای به گفتگو بنشیند. نماینده افغانستان در سازمان ملل گفت دولت متبوع وی با مشورت اتحاد شوروی طرحی تهیه کرده که در آن، جزئیات همه اقدامات ضروری برای حل بحران قید گردیده است.

ادامه مقاومت قباایل پشتون

قباایل پشتون پاکستان، به مقاومت خود علیه واحدهای ارتش پاکستان و مزدوران افغانی ادامه می‌دهند. گزارش‌های رسیده از منطقه حاکی است باند‌های ضد انقلابیون افغانی در نبرد با قباایل پشتون، تلفات سختی را متحمل شده و ناچار به عقب نشینی و پناه گرفتن در اردوی "ناصر باغ" که تحت حفاظت ارتش پاکستان است گردیدند. ۲۰۰ تن از اشرار افغانی خود را به پشتون‌ها تسلیم کردند. قباایل "افریدی" و "شینوار" کنترل چندین روستا را دوباره بدست آورده‌اند. یک جاده مهم نیز در تصرف کامل این قباایل درآمد.

انتخابات ریاست جمهوری در گواتمالا

در گواتمالا پس از ۲۲ سال حکومت رژیم‌های نظامی، وینسیسوزو از حزب دموکرات مسیحی بعنوان رئیس‌جمهور کار خود را آغاز کرد. ناظران سیاسی علیرغم آنکه انتخاب یک رئیس‌جمهور غیر نظامی را یک عقب نشینی برای ژنرال‌های گواتمالا

کنگره ملی آفریقا مبارزه مسلحانه را گسترش می‌دهد

شد. اتهام این عده، "خیانت" و حمایت از اهداف سیاسی کنگره ملی آفریقا است. مقامات رژیم آپارتاید، در هر اس از اقدامات اعتراضی مردم، محل محاکمه را به شهر کوچک دلماس واقع در ۷۵ کیلومتری ژوهانسبورگ منتقل کرده‌اند. با این همه، در پراپر ساختمان دادگاه صدها نفر دست به تظاهرات زدند. ۲۲ میهن‌پرست مزبور که بیش از نه ماه است بدون کوچکترین دلیلی در بازداشت به سر می‌برند، در جلسه افتتاحیه محاکمه از خود دفاع کردند. سخنگوی "جبهه متحد دموکراتیک" که جزو متهمین است، تأکید کرد سازمان وی در راه محو سیستم ضد بشری آپارتاید مبارزه می‌کند و از همه اشکال مقاومت مسالمت آمیز بهره می‌گیرد. در میان متهمین، همچنین نام "پوپوموله‌فه"، دبیر کل جبهه متحد دموکراتیک و دو کشیش کلیسای پروتستان به چشم می‌خورد.

پلیس آفریقای جنوبی پنج شبهه‌گذاشته‌بار دیگر دو تن از رهبران جبهه متحد دموکراتیک را دستگیر کرد. سامسون‌ندو معاون رئیس این جبهه اعلام نمود دستگیر شدگان عبارتند از مورفی موروبه سخنگوی جبهه متحد دموکراتیک و شریل کارولیس دبیر جبهه.

در همان روز، پلیس یک کشیش به نام موفمن گالنگ را بازداشت کرد. این کشیش در دفاع از حقوق مردم روستایی که قرار است به زور تخلیه شود، فعالیت کرده بود. خانه این کشیش را نژاد پرستان آتش زدند.

کمیته اجراییه کنگره ملی آفریقای بیانییه‌ای اعلام کرد این سازمان در سال ۱۹۸۶ مبارزه مسلحانه علیه رژیم نژادپرست پرتوریا را به نحو چشمگیری اعتلا خواهد بخشید.

در این بیانییه آمده است دوران حکومت نژادپرستان در آفریقای جنوبی رو به پایان است. رژیم آپارتاید دچار بحرانی شده که همه عرصه‌های زندگی را در این کشور در بر می‌گیرد. این رژیم که با مخالفت میلیون‌ها تن از مردم روبرو است، دیگر نمی‌تواند به شیوه پیشین حکومت کند، و هم از این رو است که مقامات، در بسیاری نقاط کشور وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده‌اند، نیروهای ارتش و پلیس را برای سرکوب مردم بیش از پیش به کار گرفته‌اند، مانسور را شدت بخشیده‌اند، کارزار ترور علیه نیروهای دموکراتیک را دامن زده‌اند و اعمال تجاوزکارانه علیه کشورهای همسایه را گسترش داده‌اند. اما با این حال، مخالفان آپارتاید ابتکار عمل را در دست دارند و نه حکومت.

کنگره ملی آفریقا در بیانییه خود تأکید کرده است: "در این شرایط وظیفه ما بهبود اساسی اتحاد بیرونها به سود جنبش‌های بخش است. افزایش تریبات وارده بر رژیم پرتوریا با هدف نهایی نابودی آپارتاید و برقراری حکومت مردمی در شور، ضرورت دارد."

در یک دادگاه آفریقای جنوبی، دوشنبه گذشته محاکمه ۲۲ تن از رهبران جنبش ضد آپارتاید آغاز

تعداد می‌کنند، خاطر نشان می‌سازند که اهرم‌های اصلی قدرت همچنان در دست نظامیان باقی مانده است. لازم به یادآوری است در انتخابات ریاست جمهوری گواتمالا که تحت نظارت ارتش برگزار شد، احزاب اپوزیسیون چپ اجازه شرکت نداشتند.

رئیس‌جمهور جدید گواتمالا اعلام کرد کشورش در آینده از تلاش‌های کشورهای گروه "کونتادورا" برای برقراری صلح و آرامش در آمریکای مرکزی حمایت خواهد کرد. وی پس از انتخابات با سفری به کشورهای منطقه، از جمله نیکاراگوئه، اعلام نمود. گواتمالا از این پس سیاست "بی‌طرفی فعال" را در پیش خواهد گرفت.

روی کار آمدن غیر نظامیان در گواتمالا در چارچوب نسخه آمریکا برای جستجوی دولتهای "دموکراتیک" در آمریکای مرکزی صورت می‌گیرد. واشنگتن از هم اکنون اعلام کرده است کمک‌های مالی و نظامی خود را به گواتمالا که در سال ۱۹۷۷ تحت فشار افکار عمومی جهان ظاهر اقطع شده بود، از سرخواهد گرفت. تعویض دولت همچنین به سود بورژوازی بزرگ کشور است که امیدوار است از طریق "کشایش" به خارج، بحران اقتصادی کاهش یابد. از سوی دیگر انتقال پارستکین مسئولیت یک کشور ورشکسته، به سود ژنرال‌ها نیز هست، به خصوص این که حکومت ژنرال‌ها با موج فزاینده‌ای از اعتراضات مردم گواتمالا روبرو بود. از سال ۱۹۵۴، سال کودتای سیا علیه دولت مترقی آریئز، در گواتمالا ۱۰۰ هزار تن کشته و ۲۸ هزار نفر نابینا شده‌اند.

رئیس‌جمهور جدید گواتمالا به "جبهه متحد انقلابی ملی" که رهبری مبارزه مسلحانه را در گواتمالا برعهده دارد، به شرطیه زمین گذاشتن سلاح‌ها پیشنهاد مذاکره کرده است. احزاب چپ متشکل در این جبهه متقابلاً از سرزو خواهان عملی شدن وعده‌هایش مبنی بر دموکراتیزه کردن واقعی حیات کشور شده‌اند.

انتخابات ریاست جمهوری پرتغال

حزب کمونیست پرتغال از معرفی نامزد برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور چشم‌پوشی کرده و برای این انتخابات که ۲۶ ژانویه برگزار می‌شود، از سالکادوزنیا که یک سیاستمدار دموکرات مورد حمایت رامالکوانیش رئیس‌جمهور فعلی است، اعلام حمایت نمود. تا هنگام زیر چاپ رفتن نشریه، خبری از نتایج انتخابات پرتغال نرسیده است.

مهم‌ترین رقبای انتخاباتی زنی عبارتند از ماریوسوارش نخست‌وزیر پیشین (که ریکان رئیس‌جمهور آمریکا او را "دوست ویژه خود خوانده است) و فریتاس دوآمارال، نماینده راستگرایان پرتغال. در صورتیکه در مرحله اول انتخابات، هیچ یک از نامزدها اکثریت مطلق را به دست نیاورد، مرحله دوم که ۱۶ فوریه برگزار خواهد شد جانشین این "راتعین خواهد کرد.

**مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا!**

مردم بیگناه، آماج جنایات اشراک افغانی

وقت را در میدان تیر اردوگاه می گذراندند و بیاد می گیرند که چگونه تیراندازی کنند، مین بگذارند و خنثی کنند، مواد شیمیایی بکار ببرند و خود را استتار نمایند و غیره.

این دو تن، از اولین فارغ التحصیل های اردوگاه "ورزک" نیستند که به اسارت "خدمات امنیتی دولتی (خاد)" افغانستان درآمده اند. در سال ۱۹۸۴، در بیست کیلومتری کابل، غلام حیدر نامی که قبلاً دانشجوی پزشکی بوده، حین ارتکاب جرم دستگیر شد. فرمانده یک پاسگاه اتفاقاً متوجه حالت عصبی این روشنفکر که ظاهراً همه مدارک شناسایی او روبراه بود، گردیده و با تفتیش محتویات کوله پشتی اش، یک کیسه پلاستیکی حاوی یک کرسید پیدا کرد.

مامور مزبور فکر کرد آن ماده هروئین است و غلام حیدر را بازداشت

سالن عبور کرده و به بیرون می رفتند، منفجر می شد، عواقب آن صد بار بدتر می بود.

در پشت این رویدادها، سیستم کاملی قرار دارد که تروریستها را آموزش داده و به آنها مجهزترین سلاحهای مرگ آور می دهد.

آموزش اشراک

"لال محمد" و دوست دیگر تروریست اش در اردوگاه تروریستها در "ورزک" با هم مراسم "فارغ التحصیلی" را جشن گرفته بودند. آنها الان هم باهم هستند، اما این بار در زندان کابل. سر یک قرار مخفی دستگیرشان کرده اند. قرار بود محموله هایی حاوی اسبیری "گاز اعصاب" دریافت دارند. ذره ای از این گاز می تواند یک فرد را ساعتها بیهوش کند، و چند فشار روی تکه اش

چندی پیش خبر انفجار بمب در فرودگاه کابل و کشته شدن عده ای بیگناه، جهان را تکان داد. بدین مناسبت هفته نامه شوروی عصر جدید در شماره ۲ سال ۱۹۸۶ خود گزارشی تحت عنوان "ترور در دستور روز" در باره جنایات اشراک افغانی به چاپ رسانده که ترجمه آن را از نظر خوانندگان "اکثريت" می گذرانیم.

در صبح یک روز آفتابی، روز هشتم دسامبر، حدود ۱۰۰ مسافر از پلکان هواپیما بالا می رفتند تا از کابل به قندهار پرواز کنند. هنگام بارگیری، در محلی که چند آنها قرار داشتند، انفجار شدیدی روی داد که طی آن شش نفر کشته و بیش از ۷۰ تن زخمی شدند. از این عده سه نفر دیگر نیز بعد در بیمارستان درگذشتند.

تحقیقات نشان داد که بمب در یک چمدان کوچک به فرودگاه آورده



سران گروه های ضد انقلابی افغانی در حضور اربابان ریگان

کرد. "هروئین" به آزمایشگاه شیمی پلیس فرستاده شد. اما نتیجه چیز دیگری بود. "یوری بادام تلخ" واکنش نسبت به اندیکاتور و رنگ آن حاکی است که ماده مزبور از گروه ترکیبات سیانید است.

در کیسه پلاستیکی تقریباً نیم کیلوگرم از ماده سفید وجود داشت که طبق گزارش آزمایشگاه به خوبی در آب حل می شد. با این مقدار، می توان هزاران انسان را سموم کرد.

به من اجازه دادند با غلام حیدر صحبت کنم. وی به من گفت و تلیقه داشته است در برابر مبلغی بقیه در صفحه ۱۴

او را به دیار عدم بفرستد. در اردوگاه، مربیان آمریکایی به تروریستها آموخته بودند که چگونه به کمک این اسبیری ها، مامورین ارتش و پلیس را "خنثی" سازند.

"ورزک" در نزدیکی پیشاور یکی از ۱۰۰ اردوگاه آموزشی پاکستان است که در آن ضد انقلابیون افغانی در خرابکاری و ترور آموزش می بینند. "دوره آموزشی" بسته به نوع "تخصص" از چند هفته تا چند ماه طول می کشد.

"لال محمد" و دوستش گفته اند که آموزش فشرده در "ورزک" روزی ۱۰-۱۲ ساعت طول می کشد. دو ساعت درس "تلوریک" می دهند و برای شاگردان، چیزهای وحشتناکی درباره سیاست و اهداف دولت مردمی افغانستان، تضيیقات ادعایی علیه مسلمانان شوروی و "کمک غیر انتفاعی" دوستان آمریکایی، پاکستانی و غیره به مجاهدین افغانی می گویند. باقی

و در میان بار مسافرین جا داده شده بود. این بمب، یک مین خود ساخته بود که قدرت آسیب رساندن به ساختمانها و هواپیماها را نداشت، اما از طریق گنجاندن میخهای نجاری، تراشه های فلز و گلوله های مسلسل و تفنگ در آن سنی شده بود تعداد هر چه بیشتری از مردم هدف قرار گیرند.

روز بعد در ساعت ۱۲ و نیم در پای تکنیک کابل هنگامی که صداها استاد و دانشجو در ساختمان به سر می بردند، بمب دیگری منفجر شد. ده نفر هدف تکه های شیشه قرار گرفته و مجروح گردیدند، اما بواسطه یک تصادف نیک، کسی کشته نشد. بمب را در سالن ورودی که در این ساعت خالی بود گذاشته بودند.

من بعداً به اتفاق معاون رئیس پلی تکنیک از بخش آزمایشگاهها که محموله مرکب در آن پنهان شده بود، دیدن کردم. او می گفت: "اگر بمب نیم ساعت بعد، وقتی دانشجویان از

اوضاع عدن

روبه آرامش نهاده است

آخرین خبرها حاکی از این است که اوضاع در عدن پایتخت یمن جنوبی روبه آرامش نهاده است. خبر می رسد که فرودگاه عدن باز شده و در شهر صدای تیراندازی شنیده نمی شود.

در روز شنبه پنج بهمن اعلام شد که حیدر ابوبکر العطاس نخست وزیر سابق جمهوری دموکراتیک خلق یمن به عنوان رئیس جمهور موقت برگزیده شده و علی ناصر محمد از سمت ریاست جمهوری برکنار گردیده است.

در روز جمعه ۴ بهمن در مسکو ایگور لیکاکوف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و بوریس پونا ماریف، کاندیدای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با حیدر ابوبکر العطاس و عبدالعزیز الدالی، وزیر امور خارجه یمن که هر دو در دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن عضو هستند، دیدار کردند. به گزارش خبرگزاری سلاطات از وضعیت پیش

آمده در یمن دموکراتیک ابراز نگرانی گردیده، خاطر نشان شد که درگیریهای باید فوراً پایان یابد. شرکت کنندگان در این گفتگو، همگی اظهار داشتند که راه حل مسائل پیش آمده را باید از طرق سیاسی و در چارچوب ارگانهای حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک خلق یمن جستجو کرد. در این ملاقات تاکید گردید ادامه خوربیزی تنها به سود دشمنان انقلاب یمن جنوبی و نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی خواهد بود. نمایندگان شوروی و یمن جنوبی اعلام کردند هرگونه تلاش نیروهای خارجی برای دخالت در امور داخلی جمهوری دموکراتیک خلق یمن محکوم است. در این دیدار همچنین بر ضرورت عادی ساختن هرچه زودتر اوضاع در یمن دموکراتیک و احیای وحدت صفوف حزب سوسیالیست یمن، که در خدمت منافع عالی حزب و مردم خواهد بود، تاکید به عمل آمد.

سورای موقت نظامی رهبری اتیوپی نیز در بیانیه ای هرگونه دخالت در امور جمهوری دموکراتیک خلق یمن با سوء استفاده از اوضاع ناآرام این کشور را محکوم کرده

AKSARIYAT

NO. 92

MONDAY JAN 27.86

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY